

قیام ایران

۸۴ عجل ۲۰۹

(دوره جدید)

۱۳۶۶ آبان ۷

۱۲۹ کبر ۱۹۸۷

زیر نظر شورای نویسندگان

هادی بهزاد

زمنکلات طریقت عنان متا با بدل
که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز

مردان راه و مشکلات طریقت

حوادث فراوانی را در بر می گیرد به-
تنهایی، زیایعات بیشماری در زندگی
سیاسی و اجتماعی ما بیار آورده است و
قابلیت ها و استعداد های تابناکی را
محو می نماید.

زیبا نبارترین شکل این "عارضه" را
پشتوانی آنها مانی دیده ایم که اگر چه
دلیل و شاد و حتی نشانه ای با خود
نداشته اند، ولی چنان سنگین و
طاقت شکن بوده اند که چه بسا روبرو
نیروهای فعال ملی را، اگر از صحنه
تراخته اند، دست کم به پزیردگی و
وسوای های مبالغه آمیز و پرهیز از ابتکار
و خلاقیت سوق داده اند.

اگر قوام و یابگیری این روحیه خطرناک
را ریشه یابی کنیم، در بیان خطبه یکی از

بقیه در صفحه ۳

سجده رضوانی

بازی های

سرنوشت

گزارش های تازه، شایعه قبلی را در باره
بیماری سخت آیت الله خمینی تاء بید
میکند.

قبلاً در مطبوعات اروپا خبری منتشر شده
بود که آیت الله خمینی دچار
سرطان مغزی است و تنها زبه عمل جراحی
دارد. از این رو پسرش سید احمد خمینی،
در سفر کوتاه خود به اروپا، با پروفسور
فلینگرا تریشی مذاکره کرد و قوا را ست
آیت الله در بیمارستان دانشگاه "وین"
به وسیله پروفسور فلینگر تحت عمل جراحی
قرار گیرد.

در باره این خبر، با پروفسور فلینگر
تماس گرفته شد و، به عذر این که عادت
ندارد در باره بیماران خود مطلبی اظهار
کند، خبر را نه تکذیب کرد و نه تاء بید.

بقیه در صفحه ۴

ویس و رامین،

داستانی از عصر اشکانیان

بقیه در صفحه ۵

"منزه طلبی" کاذب در این مدوا نندی
سال اخیر دورهی که تحولات بنیادی و

حسبعلی مکان

دو دوزخ بازی

مجله "تایم"، در شماره، اخیر خود نوشته
است که این روزها در حالی که ظواهر امر
از بی لا گرفتن تنش در خلیج فارس حکایت
می کند، پیام های محرمانه ای از تهران
به واشنگتن می رسد و از آمریکا میخواهند
که در اقدامات نظامی خود دست پائین را
بگیرد.

دست پائین گرفتن یا دست زیر گرفتن یا
لای زیر را کشیدن کنایه از کوتاه آمدن و
نرمی نشان دادن است. در خلیج فارس،
آخوندها انتظار دارند که در کاسه ریجا بی برسد
که آمریکا کی ها مجبور شوند کشتی مین یخس
کن "ایران اجر" را غرق کنند و سکوهای
نفتی "سازان" و "رستم" را به آتش بکشند.

بقیه در صفحه ۱۲

از رادیو ایران

بازار گنجخواه

هزادان

چند ماه پیش ابوالحسن حائری زاده،
نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو
کمیسیون برنا مه بودجه، این مجلس، در
مباحثه ای با روزنامه "کیهان" از جمله
گفت که صندوق های "قرض الحسنه" دارند
نظام بانکی کشور را نابود می کنند؛ زیرا
قدرت مالی ای که این صندوق ها بدست
آورده اند سبب گردیده است که سیست
پولی در جمهوری اسلامی در دو مرکز جدا از
یکدیگر و احیاناً "مخالف با یکدیگر برقرار
شود؛ یکی در باره زار تهران و دیگری در
بانک مرکزی.

وی افزود: "بسیاری از بولدارها و
گردن کلفت ها در این قضیه نقش دارند و
سیاست گذاری می کنند.

بقیه در صفحه ۱۱

زیر آوار آرزوها

هر قدر که مردم در باره، ماهیت چنین
حکومتی کمی دانند، در عرض شیوه های و
روش های خشونت با حکومت کردن آن را
بسیار دیده اند و می بینند. بحران
اعتقاد میان حکومت و جامعه در تاریخ
اخیر ایران بندرت چنین شدید بوده.

بقیه در صفحه ۳

بهمن خجسته

مقایسه دو جنگ

هاشمی رفسنجانی گفته بود که اگر آمریکا
در خلیج فارس دست به اقدامی نظامی
علیه جمهوری اسلامی بزند، جنگ تازه
شیرین خواهد شد، و آمریکا ناگزیر خواهد
گردید تا سر باز از ارتش شکست خورده اش
را در پرچم خود بیچود و از منطقه ببرد.

این رجزها را هاشمی رفسنجانی، قهرمان
ابرائی رسوائی - نامه - ایران نگیت،
پیش از گوشمالی هاشمی که رژیم تهران در
خلیج فارس دیده، گفته بود. پس از این
گوشمالی ها ظاهراً "زما مداران رژیم
تهران در مواضع تبلیغاتی جنگی خود
مختصر تغییر داده اند، میر حسین موسوی
و علی خامنه ای گفتند که پاسخ اقدام های
نظامی آمریکا در خلیج فارس را الزاماً
در خلیج فارس نخواهند داد.

بقیه در صفحه ۱۱

از لوموند

شرایط تنگ

در خلیج فارس

آمریکا همان گونه که پیش بینی می شد
ضربه خود را در خلیج فارس فرود آورد.
براستی آمریکا جز به بهانه ای از دست دادن
اعتبارش، نمی توانست حمله، موشکی سه
روز پیش ایران را علیه یک نفتکش با
پرچم آمریکا در آبهای کویت بدون تنبیه
بگذارد.

اما در میان همه واکنش ها شایسته که
بنتاگون در نظر گرفته بود آقای ریگان

بقیه در صفحه ۳

میان بلندی آرمان ها ثی که انقلابی را
بر می انگیزند و پستی مردمی که پس از
انقلاب زما مدار می شوند، همواره تضادی
وجود دارد، فاصله، میان بلندی آن
آرمان ها و پستی این مردمان هر چه
بزرگتر، به همان اندازه سرخورده گی
جامعه از انقلاب بیشتر.

تورید نیست که در باره انگیزتن خورش مردم
بر رژیم که از چشم جامعه افتاده بود و
سرا تاج خود نیز در مشروعیست خویش دودل
گردید، آرمان های بلند ستمی داشته
است، نیز کمتر از این، توریدی هست که
پس از انقلاب، مردمی که از هیچ مفت
بزرگ اخلاقی بهره مند نیستند، زما مدار
شده اند، جامعه ایران از انقلاب اسلامی
بشدت سرخورده است.

انقلاب اسلامی با هر قدر که برداشت
شمارت زهای از هوا خواهان یا تا شید
کنندگان را از زیر موم خود پرا کند،
حرکت انقلاب اسلامی، حرکتی پیوسته بود
که آن را از حمایت توده ای دور کرده
سوی انزوا برد. امروز که ریدانجا رسیده
است که رژیم که سواست داشت مشروعیست
خود را از "مردم همیشه در صحنه" بدست
آورد، برای نگاهداری این مشروعیست
فقط به لوله، تفنگ یا سدا رانش متکی
شده است. مردم از صحنه غایب اند، اما
حضور لوله، تفنگ ها مدام حس می شود.

چینی ها مثالی دارند: راه هزار ساله با
گام نخست آغاز می گردد. راه نه ساله
حکومت اسلامی نیز که به انزوا تقریباً
کامل آن انجامیده است، با گام نخست
آغاز شد، و این گام نخست همان سخنی
بود که خمینی در نخستین روزهای پس از
انقلاب گفت: "جمهوری اسلامی، نه یک
کلمه بیشتر، نه یک کلمه کمتر".

از آن روز تا کنون خمینی و مقلدانش در
وصف حکومت اسلامی صدها هزار کلمه بر باد
داده اند، لیکن مردم در ما هیست این
حکومت کلمه ای بیش از آنکه در آن روزهای
نخست می داشتند، نمی دانند.

نامه سرگشاده

به آواره محفوظ الامضاء

در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

آن شگردهای رندانهی استعماری رسم که خنثی کردن دست‌ها و مغزها مشکل‌گشا از طرفی، وزمینه‌سازی بسود غلام‌پروری و پیشرفت و جلوه‌ی عناصروا بسته‌ا زطسرف دیگر، هدف آن است. در تاریخ سیاسی این دوره کم‌نبوده اند شخصیت‌های هوشمند و کارساز که از همین راه بسدام افتاده و پناهنده شده‌اند.

در فضا ئی که جنبش بزرگ ملی مشروطه، جنبشی که چون نخستین ستاره‌ی امید در افق قاره استعمار زده آسیا جلوه می‌کند و به هر صورت، گردن زندگان را در سزمین مالدگرگون می‌سازد، از آن برجسب‌های کذا ئی بی‌شمب نمی‌ماند.

در عوا لمی که دولت مرد مادی و وطنخواهی چون "قاسم مقام"، بزرگ مرد عرصه‌ی ادب و سیاست، به تیغ اکتفا مازمینا بدر می‌رود و سرنوشت عنصر برجسته و بزرگوار ی مانند امیر کبیر، با آن همه خدمت‌های فرهنگی و سیاسی در کونه مدت‌مدت رتش، سرانجام به بدخواهی و فتوای غلامان استعمار به مرگ و فنا می‌رسد تا خیال (به قول خود او) "برقراری کنستیتوسیون" هیچگاه مجال تحقق پیدا نکند.

در هوای که میرزا حسین خان سپهسالار، صدراعظم عمرنا صری، کسی که با اسرار از قان و عدالت و شایسته‌ترین بار از "ملت" سخن به میان آورد، به توطئه‌ای جان می‌بازد.

در احوالی که سیاستمدار نیک‌خواه و غیرتمندی مانند احتشام السلطنه با وجود بستگی خاندا ئی به دستگاہ‌ها و دربار به دلیل اصرا بر آلمان‌های آزادیخواهان و "ملی‌اش" به تیرا فترا گرفتار می‌شود؛ و خلاصه در جوی که موء تمن الملک ها و مدق ها، از تیغ بدخواهی مومن نمی‌مانند، آیا درک بنیاد آن سیاست "سرکسوب و اکتفا" که چگونه و کجا سا زمی شود، به تاءمل و کوش فراوان نیا زندار د؟

البته نیا یدانکارگر که در این دوره و حتی از یک قرن پیش از آن، یعنی زمان که آشنایان، به سفرهای ما با زوربا نگین شده، میهنمان نورسیده به قصد ریشه‌گرفتن و جا خوش کردن به انواع حیلها و دام‌ها دست زدند و از آن جمله تا توانسته اند برای خود مزدور و برای ما سرور و آقا با لاسرترا شیده‌اند.

نمی‌توان و نیا یدانکارگر که در مصف "دولت مردان" و "سیاست پر دازان" ما و مخصوصا "در صنف" پیشوایان و مرشدان مذهبی، فراوان از این دست "مخلوقات" در کمال استاد ی بزرگ شده و آراسته، راه جستجو و سپهر حال این ماجرا ئی است که سبب بیگانگی نه هنوز هم از سودای آن غافل نیست، زیرا از آن "خبر و برکت" بسیار دیده‌است. اما واقعیت تلخ تر و دردناک تر همان است که بسی از فرزندان شریف این آب و خاک، قربانی چنان توطئه‌ها و اکتفا ماتی شده‌اند که حتی از گوشه خیالشان نیگزنگشته‌است و با افسوس باید پذیرفت که حسابیت فوق العاده‌ی جامعه‌ی ما بر اثر تخریقات بی‌دری، همواره به افسوس با زی نا جوان مردا نه میدان داده‌است و چه فراوانند مردمی که به تکرار افسوس سیاست "سرکوب روانی و رواج باؤراتهام

مردان راه و مشکلات طریقت

در اندیشه "ایران زدا ئی" است و آشکارو کسناخ به "تمامی تاریخ ایران" اعلان جنگ داده‌است. فرهنگ "ملی" را زهر قاتل دیده‌است و فصولی را به آن حسد رسانده است تا کاری را که از هزاران جا دته در بستر قرون و اعصار بر بنیا مسده است، تمام کند.

با دمان با شکه در سرا سرتا ریخ تهاجمات سلطه‌گرا نهوا استعما ری، مهاجمان هرگز بدان مرزی که این هیولا رسیده‌است، قدم نگذاشتند تا بچه‌های معصوم ما را بسا شیوه‌های مغزشوئی چنان بسا زندگانه‌ها هرا بسوزانند، به فردوسی اهانت کنند، حافظ را نشناختند و زبان بیگانه‌ها را به زبان پدران و مادران خود ترجیح دهند، حماسه‌ی رستم و حکایت سیاوش و نقل فریدون را بگذازند و به قصه "خولی" و افسانه‌ی "لوط" دلخوش‌دارند و بخواب بروند، زنده رود را نشناختند و در هوا ی "غسل" و آب تنی در نهر "علقمه" با شنند، از دما و ندکوه و "هفت خوان" اش، حرفی نشنوند و بر عنکبوت در غار "حرا" صلوات بفرستند...

پس با دمان با شکه رژیم ملاما در قبال ملت و موجودیت ما خطرناک ترین آفت‌ها است.

در این درگیری، هیچ جای کوتاه آمدن نیست، تنها بشرط تصمیم قاطع و صحیح و اراده‌ی استوار می‌توان این توطئه‌ی فدا یزانی را شکست.

هراس از زبان اکتفا م و وحشت از خدشه‌دار شدن "و جا هت"، سپهری رهبران شایسته‌ی ملی نیست.

در این سودا، رسالت یک عنصر ملی و یک نمخوا را مدق ملت جز این نیست که از هر

فرستی، از هر بازاری، از هر پیش‌آمدی، از هر تضافی، از هر هوای مساعدی و از هر حکایتی به سود نجات ملتش بهره بگیرد.

ما، امروز نصیب از روزگار زشتی برده‌ایم که رستن از آن جز به تدبیرها و تصمیم‌های بموقع و بهره‌گیری از هر زمینسه و وسیله مناسب و بیاری بخش میسر نیست.

خطر کردن و دل به مقصد سپردن و با مشکلات را در همه صورت‌ها و انواعش تا بآوردن، تنها توشه‌ی مطمئن این سفر است، که مرد را ه نیندیشد ز نشیب و فراز.

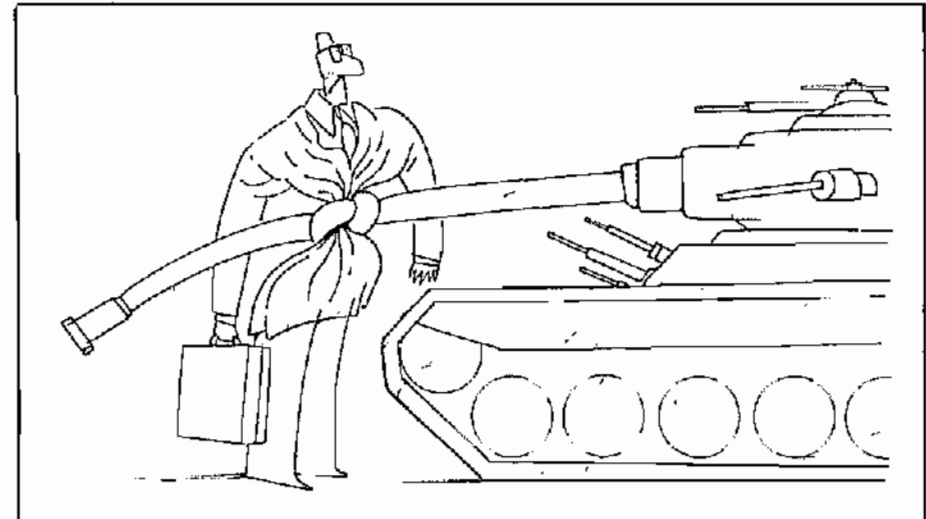
ویژمرده نمی‌شوند. زندگانی ملی ما حلال در چنان مراحل حاسی است که جز با پردلی، جز با ایثار، جز از راه مقابله‌ی جسورانه با "شخصیت کئی" و جز با ایستادگی بر تصمیم‌های بموقع و صحیح و جز با قاطعیت نمی‌توان سلامت را به آن بازگرداند.

رهبران شایسته‌ی ملی در این برهه از زمان، هیچ فرصتی ندارند که بیانش از "معالج ملی" به "آرایش سیاسی" خود بسیندیشند و "نزهت سیاسی" را با معیارهای مبتذل و محاسبه‌ی "تعامات و بدخواهی‌ها" و بدگویی‌ها که هرگز همپایانی نخواهد داشت، ارزیابی کنند.

ارزش رهبران برجسته‌ی سیاسی دنی

ولجن مالی" به نسخه‌ی مطابق اصل "دائی جان ناپلئون" بدل شده‌اند که در هر عظه‌ای، "انگشت نا بکار" روسی انگلیس یا آمریکا را در بیتی خود جستجو می‌کنند.

می‌بینیم که این روحیه خطرناک، وقتی واگیر می‌شود به چه ریشه‌ها و نقش‌ها می‌رسد. در عین حال همین فضای آلوده به سوءظن و بی‌اعتمادی است که به گروهی فرصت می‌دهد تا به بهانه‌ی علاقه و بی‌بندی بسه "پاکیزگی" و "عفت سیاسی" به تویسه حساب‌ها و منظورهای چندجانبه بسینند؛ چپ‌بروند و راست‌بیا یند برای این و آن ادعا نا مه بنویسند که "عمر و بهینگه



غالبا "در همین "بزرگ‌گاہ‌ها" و در رابطه با قدرت تشخیص و جاسارت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها تیلور یافته‌است. در جنگ با این ممبیتی که گریبا نگیر ما است دل سپردن به نقل‌های غرض‌با رونا بخته و اعتنا به نرخ با زار "منزه طلبی"، خود مصیبت‌ساز است. مهلتی نمانده‌است که به افسسون و "خیال خوش" و قیل و قال "منزه طلبان" آسوده‌خاطر تسلیم شویم.

با دمان نرود که مقابله‌ی هیولائی مطرح است که زهر بیگانگی‌های بیگانه‌تر است،

دنیا و "زید" به کیسه فلان بسته‌است، اما وقتی عمق ذهن و طلب خود آن‌ها را میکاوی غالباً "به یکی از این دو نتیجه راه می‌بری که هر دو از یک مایه‌اند. معلوم می‌شود که "سیاست با زآزاده‌ی ما" یا در بند خود نمائی و رقابت وجه بسا حسادت است یا گرفتار رهبران روحیه‌ی کذا ئی - روحیه‌ای که حتی بصورت یک میراث با و رسیده‌است تا همواره به بود و نبود هم خود هم دیگران تردید کند، تا هر تکانی را به تکان بیگانه بسیند، تا اراده‌ی در وجود خود و طبیعا "همسایه" نپذیرد، تا هر حرکتی را عیب بخواند، تا با ور کند هر چه در دنیا رود نیای اوست، هیچ در هیچ است، همه عروسک‌های خیمه‌شب با زیند و بجا دوی قدرت‌ها ظلم شده‌اند و جنسیدن در اختیارشان نیست و همی افسانه‌ی معروف چراغ سبز که خیالی هم بر سر زبان‌ها است بی گفتگو یکی زنتا بیج همین تزیق و تلقین لعنتی است که سرنوشت را در خانه‌ی دیگری باید جست و حکایت "به خود بودن و با خود بودن" را وهمی و قعده‌ای با یدانگاش.

و همین جاست که می‌توان قدر هست آن دولت مردان آزاده و جسور را شناخت که سبب برغم این تیره‌های بی‌پایی کسسه از چارسوی میدان می‌رسد از رسالت خود دست بر نمی‌دارد و رندوگره‌های تاریخ را به جای خود نمی‌گذارد و بیگردد، حرکتی ندارند، قاطعیتی نشان می‌دهند و مهلت تصمیم‌گیری را به این بازیها نمی‌سپرد

در پارلمان اروپا

تصویب لایحه محکومیت جنگ ایران و عراق

(به پیشنهاد دهنضت مقام ملی ایران)

نهضت از کمیسیون نا میرده تقدیم لایحه‌ای به پارلمان اروپا بود که متن آن حاوی اصل تحریم فروش اسلحه به طرفین جنگ با سببوریکه اطلاع حاصل کرده‌ایم، با بیگیری نمایندگان نهضت در اسن زمینه سرانجام لایحه‌ای، متن زیر از طرف پارلمان "دوباکر" DE BACKER و "مای" MAI و آقای "کرو" CROUX به پارلمان اروپا تقدیم گردیده‌است.

متن لایحه پیشنهادی دی

نظریه‌ی خطرناک و طرف‌رئیم‌خینی در ایران نقشه در صفحه ۳

تصویب لایحه محکومیت جنگ ایران و عراق (به پیشنهاد دهنضت مقام ملی ایران) طی، غریک هیئت نما سندی نهضت مقاومت ملی ایران بدین‌تیک در ماه فوریه‌ی گذشته که به دعوت کمیسیون روابط خارجی احزاب سوسیال مسیحی پارلمان اروپا، برای شرکت در جلسه‌ی مخصوص این کمیسیون صورت گرفت و هیئت مزبور ضمن ابلاغ سیاسی از طرف آقای دکترنا سورختیار بد کمیسیون (قیام ایران شماره ۱۹۱) جوانب مختلف اوضاع ایران و جنگ ایران و عراق را برای نمایندگان پارلمان اروپا تشریح کردند، یکی از خواست‌های

زیر آوار آرزوها

بقیه از صفحه ۱

موا ردهما نند، بحران هموار ردهما رفتن حکومت ها حل سد هیچ دلیلی وجود ندارد برای اینکه حکومت اسلامی از این حیث استثنائی باشد.

بسیاری نماندهها حکایت از آن دارد که حکومت نیز - به غیر از ما به نام ملی زری عور - این را دریا فته باشد. نماندهها پیکند دیگر بلندسروازی های گذشته را خوش نمانده آن با نهای بلندسروا زدیگر نیست.

آن حالت حماسی ما هیا و سا لهای نخست انقلاب گه طنینی چون پیش در آمدیک جها نگاشتی نمانده اسلامی را داشت. همه تدریج رنگ و آهنگ نخستین را در دست نمانده نمانده امروز که حالت حماسی بر آرزوهای بدست نیامده یافته است.

آبت الله خمینی در بیا مخوده مناسبت هفتمین سالگرد جنگ از جمله چنین می گوید: خدا و نمانده، امروز ما می قدرت ها و ایسر قدرت ها مضموم شده اند تا رینه اسلام نمانده رسول گرامی مان را قطع کنند... نماندهای اسلام محمدی را خاموش سازند... خداوند، به نمانده ملت های اسلامی خصوصا "ملت ایران تحمل سبقت ها را می نمانده از زمین و دریا و هوا و فضا رهای کانون های فضا در اعنایت فرما. خدا و نمانده، باطن دل های معتقدان به دین رسول اکرم را تنها از رفایت خود لبریز کرد.

آیا برای دریا فتن تفاقوت میان آن هتک و رنگ این پیام دعا گونه و بیام های پیشین خمینی در این باب موشکافی بسیار لازم است؟ از آن روحیه ای که بر عملیات "طریق القدس"، "الفجر" (که بعد ها شما ره گذاری شد)، "ظفر"، "نصیر" و "فتح النبین" دیگر خبری نیست، فقط علامت های را ه نمانده ای که در صحنات جنوبی ایران را ه وقاصه کربلا را نشان می دهد، خبری از هدف جنگ می آورد که فتح قدس از راه کربلا اسلام شده بود. دیگر همه می دانند که فله جنگ به هیچ روی به کربلا نخواهد رسید، جرسد به آن که میان نمانده ای وسیع را در نمانده و بدقدس دست باید، حتی را هیاسی به

بصره که روزی در بر آورده و نفسیر های کار نشان نظامی در نمانده امکان قرار گرفته بود، اکنون از جسم نمانده زنا بدید گردیده است.

نسلی از ایران نمانده میان سال هنوز آن گویا ها فون های گوکی قدیم را نمانده دارد که نمانده نمانده کوک چه خنده دار و نمانده موزون می خوانند، کوک تبلیغات حماسی جنگ رژیم تیران نیز بدجور شل شده است.

دیگر هیچکس اصالت آن را باور نمی کند، خاصه آن که صدای زری و آفرور ریخته آرزوها می آید.

زمانه مداران رژیم تیران به دست نام دادن و نمانده سزاگفتن ادا می دهند. این البته همیشه نقطه قدرت آنان بود. اما فرق است میان دشمنی که جوی جان نمانده است و نمانده سزائی که از آن بوی التماس می آید، در آخرین خطبه نما زجمعه رفسنجانی اگر اندکی دقت شود، صدای التماس از میان دشمنان ما به روشنی به گوش می رسد.

بقیه از صفحه ۱

ملازم ترین را برگزید. چنانکه و نمانده نیروی دریائی آمریکا با هزار گلو - توب دوسگوی نفتی ایران را که به پایگاه شنا و رنظامی تبدیل شده بود به آتش کشیدند.

این رویداد که تقریباً "به طور مستقیم به وسیله آقای و این برگزید دفاع تفسیر شد، دو امتیاز بر داشت: نمانده شیرتسوی بر اذنان بدون برجای گذاشتن قربانی، و رئیس جمهورها آمریکا با دستی قوی تقریباً "بلافاصله این عملیات دریائی را به عنوان مقابله به مثلی "عقلانسه" و "متعادل" عنوان کردند که گوئی، علی رغم میل آمریکا، بر اساس حق مشروع دفاع از خود انجام گرفته است. از نظر آمریکایی "ما چرا خاتمه یافته تلقی میشود، اما آرا مش آقای ریگان به میزان زیاد دروش "تلقینی گوئی" را بنیاد می آورد. گوئی روانیزشک فرا نسوی که در زمینه خواب مغناطیسی و روش های القا تحقیق می کند... (برج) - و این آشکارا است - آنچه نیروی دریائی آمریکا انجام داد در نقطه عطفی نگران کننده در رودر روئی نزدیک به ده ساله جمهوری اسلامی و "شیطان بزرگ" است.

بدون شک اعتدال آمریکا در خودداری از حمله به پایگاه موشک های گرم بریشم در جزیره فا و غیر منتظره بود. آمریکا بدین ترتیب از برداشتن گامی بسیار خطرناک به سوی افزایش بحران

ضرب شست در خلیج فارس

میان اتفاقاً "بیم آن می رود که سرانجام مطمئن ترین یا ران آمریکا در منطقه بهای عملیات پرس و صدا شی را بپردازند که در اصل به منظور نشان دادن حمایت آمریکا از آنها انجام گرفته است.

دولت ریگان، خواهنا خواه روز دوشنبه قدری بیشتر در کناره عراق متحد "دوفاکتو" خودجای گرفت. از این پس برای آمریکا بیش از پیش دشوار است که در جنگ خلیج فارس خود را همچنانکه تا به حال ادعا می کرد، بخصوص برای سرپرستی تلاشهای دیپلماتیک دبیرکل سازمان ملل متحد به منظور برقراری آتش بس بین دو طرف متخاصم، بی طرف قلمداد کند.

چنین تحولی در موضع آمریکا، از دید مسکو که طبیعتاً تش به سرعت "ما چرا گوئی" و اشنگتن را محکوم کردند، نمانده است و از دیدگاه شوروی حمله ای که روز دوشنبه صورت گرفت، به نمانده است. کافیه مهم تشخیص داد شد که آقای گورباچف پس از نیم ساعت، جلسه هیئت رئیسه شوروی را ترک گوید. مذاکرات آقای شواتز زینف پنجمین (۲۳ اکتبر) در مسکو، نمیتواند بی بهره از آرمی باشد که دروا اشنگتن عنوان میشود. لوموند - چهارشنبه ۲۱ اکتبر ۱۹۸۷

نظامی حذر کرد. اما با انهدا میک هدف متعلق به ایران بعدی دیگر بر نمانده است. ایران و عراق افزود: بعد بر خوردی مستقیم یا رژیم آیت الله ها که نتایج آن غیر قابل پیش بینی است.

آقای جرج بوش، وزیر امور خارجه آمریکا، امیدوار است که "نیروی دریائی آمریکا در تیران دریافت شده باشد. اما ما چطور میتوان تصور کرد که رژیم خمینی، رژیمی که زهفت سال پیش با همسایه خود درگیر جنگی خونین شده است، با ضرب شستی ساده حتی از سوی آمریکا مرعوب شود؟

چطور می توان امید داشت که ما جرایبه همین جا خاتمه بداد. آن که تیران فریب دانتقام می کشد و قول پاسخی "برق آسا" به دشمن نیرومند خود داده است. به عکس، همه چیز حاکی از آن است که رهبران ایران، نگران حفظ آبرو در مقابل افکار عمومی کشور، پاسخی به روش خود به این سرکشگی نمانده خواهند داد. به طور مثال ایران میتواند نمانده موشک های دست نخورده خود را به سوی کویت آسیب پذیر، حلقه ضعیف کشورهای میانرودان خلیج فارس شلیک کند. در این

در پارلمان اروپا

بقیه از صفحه ۲

متوجه نشاید بین المللی میگردد و همچنین ادا ما جنگ ایران و عراق و نیز بوجود آمدن مرکز تروریسم بین المللی در ایران، پارلمان اروپا از کشورهای عضو با مشترک میخواستند که کوشش جمعی خود را در جهت پایان این جنگ قرار دهند و به همین جهت لایحه زیر را تقدیم میکنیم: - تحریم ارسال اسلحه به کشورهای ایران و عراق تا بدین وسیله کمکی به پایان این جنگ نگردد زیرا حیات رژیم خمینی با دامه این جنگ بسته است.

روز ۱۷ سپتامبر پارلمان اروپا - این لایحه را مطرح کرد و بعد از بحث مفصل از طرف فراکسیون های مختلف، لایحه مزبور را تصویب و چند لایحه دیگر را هم به آن اضافه نمود. در این جلسه آقایان:

- D'ORMESSON (از جناح دست راست)
- HUTTON, DE RYKE
- TOKSVIG, PERINATELIO
- WELSH و (از فراکسیون لیبرال ها و دموکرات ها)
- PENDERS, CROUX (از فراکسیون دموکرات مسیحی)
- CERVEITTI یک نماینده یونانی از فراکسیون کمونیست ها)
- HEINRICH و (از فراکسیون سبزها)
- VANDEMEULBROUCKE, DIDO (از فراکسیون سوسیالیست ها)

با عواقب غیر قابل پیش بینی برای صلح و امنیت جهان، وجود دارد.

۶ - نظریه اقدام کشورهای عضو را بطه با دفاع از منافع اروپا.

الف - جنگ بین ایران و عراق را محکوم میکنیم.

ب - از طرفین جنگ، میخواهیم که لایحه ۵۹۸ شورای امنیت را که در ۲ ژوئیه ۱۹۸۷ با تفاق آراء بتصویب رسیده و طرفین را به آتش بس دعوت نموده، رعایت نمایند.

پ - حملات مکرر به کشتی های غیر نظامی در خلیج را محکوم میکنیم.

ت - از وزیران خارجه میخواهیم که در کا در همکار ربهای سیاسی گردد هم آینه و تمام هم خود را بکار برند تا:

۱ - در سازمان ملل، لایحه تصویب شده که در قبایل آتش بس چشم انداز مذاکرات صلح را در مدنظر داشت، با چرا گذا رده شود.

۲ - با یک تصمیم جمعی، تحویل و فسرش اسلحه به هر دو کشور تحریم گردد و ترتیبی اتخاذ شود تا عین چنین تصمیمی در کسار سازمان ملل هم گرفته شود.

ث - مجدداً "تاء کید میکنیم که بر طبق تعهدات بین المللی، رفت و آمد آزادانه کشتیها در خلیج فارس باید مورد احترام قرار گیرد.

ج - از کشورهای اروپائی مرتبط با جمع آوری مین ها در خلیج فارس، میخواهیم که عملیات خود را هم آهنگ کنند و از طرفین درگیر میخواهیم که از عملیاتی که باعث تشدید بحران میشود خودداری کنند.

بقیه از صفحه ۱

بیا ن پروفیسور فلینگر، در خود موه پسد خیریماری سخت آیت الله خمینی است. پروفیسور فلینگر که طبیب معالج محمد رفسا- شاهنیز بود، تلویحا "قبول می کند که خمینی بیما را وست. به علاوه، در صورتی که خیریا به واسی نداشت، پروفیسور فلینگر میتوا نست دریک کلمه، به سادگی آن را تکذیب کند.

مطابق خبر بعدی، که مکمل خیرتیلی است، یک هوا بیما ی جمهوری اسلامی دا روهای لازم و وسایل جراحی را از زمین به تهران برده است و بدین ترتیب آیت الله خمینی در تهران تحت عمل قرا رخوا هد گرفت.

وقتی خبر اولی انتشار یافت برای ما این سوال پیش آمد که چه طور خمینی حاضر شده است برای انجام عمل جراحی زایران خارج شود. در شرایط موجود، خمینی اگر بایش را به خارج بگذازد رژیمش فرو میریزد و یا توجه به خصوصیات آیت الله هشتادوش ساله در دست داریم، برای ما با ورکردنی نبود که حتی به علت سرطان مغز به چنین کاری تن در دهد.

بعضی دوستان که پیش از حدیه قدرت دست هسای نا مرثی عقیده دارند ساء له را با یکی از آن فرضیات ویژه حل کردند و گفتند: بیما ری خمینی خروج او از کشور اجزاء یک "سناریو" برای شکستن بن بست موجود است. چون همه دریا فته اند که با بودن خمینی در رأس قدرت، بیا یان

دادن به جنگ و بحران ورها شدن جمهوری اسلامی از جنگ مشکلات داخلی و خارجی مقدور نیست. ساقط کردن خمینی هم بنویه خود مسائل حا دی بدنیا می آورد. پس بهترین راه حل این است که خمینی را به

بها نه بیما ری، محترما نه کننا ریگذا رند و بیما ز آن که خودشان با زیچه سرنوشت اند. در طول تاریخ، فراوان بوده اند حکمرانانی که وقتی در اوج قدرت قرار داشته اند خودشان را خدا می پنداشته اند و خلائق نیز پذیرفته بودند که خلاصی از چنگال بیدار آنان مقدر با مقدر دور نیست، با یک بازی کوچک سرنوشت از اوج رفعت به تعذرت افتاده اند.

نمرود، با آن همه شوکت و قدرت، سرنوشتش را حشره کوچکی رقم زد که مطابق روایات از راه گوش وارد مغز او شده بود و مغزش را می خورد و هر چه معالجه می کردند چاره نمی شد تا بالاخره با دره ورنج و شکنجه جان

بازی های سرنوشت

سپرد.

آیا تصور نمی کنید نمرود هم به سرطان مغز دچار بود و چون این بیماری را بشر آن عصر نمی شناخت چنین می پنداشتند که سه در داخل جمجمه او حشره ای وجود دارد و مغزش را می خورد و سبب دردهای طاقت فرسا می شود؟

جباران و غداران تاریخ البته دلشان می خواهد که سرنوشتشان بر اساس یک سنا ریوی تمیز و نظیف و آرا به نقطه انتها برسد. اما از عجایب این که روزگار در این مورد با آنها موافقت نمی کند و بیا یان سرگذشت آنها عموما "چنان سوا هم با عذاب و تلخوتکان دهنده و هول انگیز است که گوئی درهای جهنم را از همین دنیا وقیل از فتن درگوریه رویشان میگشا بند. علامت اعلماء، شخصیت مورد ستایش امام خمینی، آخوند ملامحمد با قر مجلسی در مقدمه کتابها یش نوشته بود که دولت صفویه تا ظهور حضرت قاسم دامه خواهد داشت و به همین سبب، شاه سلطان حسین، مرید مخلص علامه مجلسی، تصور می کرده هیچ قدرتی در جهان وجود ندارد که بتواند تاج سلطنت را از سر او برآید.

چندی بعد از مرگ ملامحمد با قر مجلسی، این قدرت پیدا شده آن هم در وجود جوانک تشند خوی متعصب کله شقی به نام محمود پسر میرویس افغان.

در داستان تمام تخت و تاج صفوی به وسیله محمود افغان و تصرف تا چوتخت

هستند که امروز مقامهای ردیف اول واد ر رژیم تهران اشغال کرده اند، و تا چندی پیش از این گذشته "برافتخار" بر خود می یابیدند. ولی امروز چرا احساس شرمساری می کنند؟ چه چیز عوض شده است؟

درباره هیچ حادثه ای، خاصه حادثه ای به اهمیت یک انقلاب زیرورکننده، شمی توان داری درست و منصفانه ای کرد مگر آن که نتایج را که آن حادثه ببار آورده است ارزیابی کرد. حادثه انقلاب اسلامی نیز جدا از نتایجی که ببار آورده است، بدرستی قابل ارزیابی نیست.

انقلابی که خاللی ها را به قضاوت و وکالت رساند، انقلابی که اسدالله لاجوردی ها را خاک بر سرنوشت صدها هزار جوان ساخت، انقلابی که علی اکبر محتشمی ها را منصب سفارت و وزارت بخشید، انقلابی که قتل بچه های نه ساله را روا داشت، انقلابی که تاج وزبه دختران را مجاز شمرد، انقلابی که حکم بر تیرباران زن حامله داد. چنین انقلابی نمی تواند به عنوان حادثه ای درخور ستایش در تاریخ ثبت شود.

و کسانی چون مهدی اهری مصطفوی براسی کا مورخ آینده را آنان می سازند. وقتی چنین کسی اصل و نسب انقلابی خود را انکار کند، مخالفان انقلاب اسلامی دیگر در این باره حرف چندان نمی ندرند بزنند. فقط از بسا ساد سابق و دانشجوی سابق خط

پهلوی به وسیله آیت الله خمینی... شایهت های وجود دارد که آن جمله زدوبند پنهان اطرافیان شاه با مدعی و کتا رآمدن دولت مند و دولتمردان با شورشیان است. در هر حال، محمود افغان که حکومت هرات را هم بخواب نمی دید صاحب اختیار ایران شد ولی دوران کامکاری او طولی نکشید و پس از دو سال، هنگامی که به فرمان او ۳۳ تن از شاهزادگان منیر و کبیر صفوی را در زندان کشتند بظهور ناگهانی دچا رصرع و جنون شد و دستهای خود را میجوید و مدفوع خود را میخورد و بیا وه می گفت و دشنام میداد.

بالاخره تنی چند از اطرافیان محمود، برادرزاده اش "اشرف" را که در حمام فرج آباد زندانی بودند نجات دادند و به اتفاق از دیوار حمام رت چها روحش بیا لا رفتند و خود را به قاصمگاه محمود رسانند. اشرف که هنوز محمود را در حال جنون ندیده بود با احترام سلام و تعظیم کرد. محمود فریاد زد: ای سگ، اینجا آمده ای چه کار؟

گفت: آمده ام به عیادت
گفت: نه! میدانم به چه کار آمده ای!

یکی از همراهان به اشرف گفت: بنیاید معتدل شد. بنا زبانش را از زیر سر محمود کشیدند و روی دهانش گذاشتند و یکی از آنها بر روی بالش نشست تا محمود خفه شد. غلام محمود، "الما" نام که از جراح خبردار شده بود سرودا برآنداخت و کمک طلبید ولی وقتی دیگران رسیدند و دیدند که کار تمام شده است دست اشرف را بوسیدند و بجای محمود نشست.

آری، سنا ریوهای تاریخ را تا ریبخ خودش مینویسد و آنها که خود را تاریخ ساز تصور میکنند در نهایت امر متوجه میشوند که با زیگران و با زیچه های بی بیش نبوده اند.

اما مواشغال کنند، سابق سفارت آمریکا در تهران سئوالی با پد کرد: کسی که براسی در آن گروگان گیری شرکت کرده بود آیا امروز سزاوار شغل سفارت بود؟ آیا شرکت در آن حادثه واقعاً "ما به" شرمساری است؟ آیا انقلاب دوم، چنان که خمینی آن را نامیده است، اینقدر بی آبرو و بی اعتبار شده است که زمامداران رژیم اسلامی از آن هر چه بیشتر فایده بگیرند، بهتر؟

احمدلوا سانی در نامه خود به روزنامه "دی ولت" آلمان پاسخ این پرسشها را تلویحا " داده است. به تلویح گفته است که آری، چنین است. انقلاب اسلامی بی آبرو شده است. شرکت کنندگان در آن فقط از این راه می توانند آبروشی برای خود دست و پا کنند که از آن فایده بگیرند. سفیر تازه رژیم تهران در آلمان فدرال چنین کرده است.

فهرمائی شرمسار از گذشته خویش

نداردندگی گذشته شان را به یادتشان آورد.

با ری، آن کسی که با تک آتش می زد، بر پشت با مها الله اکبری گفت، نعمش قلبی به دوش می گرفت، ماده به روح رنسسگ به تن می مالید تا خونین جلوه کند، او تومبیل به آتش می کشید یا کفن می پوشید، نسبت به انقلاب اسلامی خود دیدی و قضاوتی داشت که با دید و قضاوت آن کسی که امروز مقام وزارت و سفارت و ریاست بدست آورده است، تفاوت دارد.

احمدلوا سانی، معاون سفیر تازه جمهوری اسلامی در آلمان فدرال، در نامه ای به روزنامه "دی ولت" می نویسد که رئیس او، مهدی اهری مصطفوی به هیچ روی در حوادثی که در سال ۱۳۵۸ به اشغال و گروگان گیری سفارت آمریکا انجامید، شرکت نداشته است و وزارت خارجه آمریکا از آن سروسو چنین آنها می بروی وارد آورده است که در مناسبات نیکوی آلمان فدرال بسا جمهوری اسلامی اخلال کند. شرکت کنندگان در انقلاب همان کسانی

قهرمان انقلابی که آیت الله خمینی آن را "انقلاب دوم" و "انقلابی مهم تر" از انقلاب اسلامی خوانده بود، از گذشته خود شرمسار است و آن را انکار می کند. مهدی اهری مصطفوی، با ساد سابق و سفیر کنونی، دانشجوی پیشین خط امام و دیپلمات کنونی رژیم تهران، این را برآزنده مقام سفارت خود نمی دانند که بگویند وی در آبان ۱۳۵۸ در اشغال سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفتن دیپلماتهای آن شرکت فعال داشته است.

مگر بر انقلاب اول و انقلاب دوم اسلامی چه رفته است که سها مداران آن دارند سها م آن را به همان شتابی از سر او می کنند که ما حبان سها م یک شرکت ورکشسته در فروش سها م خودشان می دهند؟

تا همین چندی پیش، هر کسی هم که دستی از دور بر آتش انقلاب داشت می کوشید به هر وسیله ای که شده، گذشته ای انقلابی برای خود دست و پا کند بلکه در دستگاه حکومت اسلامی به نان و آبی برسد، ولی امروز قضیه درست وارونه شده است: شرکت کنندگان واقعی در انقلاب دیگر دوست



هم میهنان عزیز! هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شمارا در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵-۹۰-۴۰۵ پاریس

نامه‌ها و نظرها



ما به نام با کسی را به ما و سوسه‌های جواسدگان کرامی حفظ برای ممکن کردن طرفی و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. مقاومت ملی ایران ما متحد همه آن سوسه‌هاست. از نویسندگان نامه‌ها سفاکی می‌کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان را در چاپ خود داده و پسوند تا نامشان محفوظ بماند. امروز برای من، از جانب نامه‌های که در آن‌ها نسبت به اشتباه و گروه‌ها هتک حرمت خود و یا عقاید و سرگوازی قلم ملحوظ نگردد، منورم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

Je désapprouve tout a fait ce que vous dites, mais je défendrai jusqu'à la mort votre droit de le dire.

VOLTAIRE

ما آنچه مشروطی مخالفان ما با سالی مرک اسناد ما که حق گفتن را داشته‌باشی، ولتر

آقای بختیار هم؟!

شورای نویسندگان قیام ایران بنی از سلام سپاسگزارم که قیام ایران را بطور مرتب به لطف شما دریا فت می‌کنم و از محتویات آن بهره‌می‌گیرم. در شماره اخیر (۲۰۶) که امروز دریا فت کردم متوجه یک اشتباه بزرگ شده‌ام که گمان دارم در اولین شماره آینده با بدرفع شود؛ در متن نامه‌ای که آقای دکتر بختیار روزنا مدتها رسودی از روزنامه‌های المدیینه موقعیت آن عرب که خلیج فارس را "خلیج" می‌نامد قابل درک است ولی آیا آقای نا سوربختیا هم مطابق سلیقه آن شخص صحبت کردند که مترجم مجبور شد ضمن آوردن گفته‌های رهبر نهضت مقام امت ملی ایران کلمه "فارس" را بعد از "خلیج" در داخل پارانتز ذکر کند؟ یعنی آقای بختیار هم فقط "خلیج" گفتند و نه "خلیج فارس"؟ در صورتی که درست باشد بسیار زیاد به یادش و دل‌سردی است و اگر این روزنا مه‌نگار عرب بود که در متن عبارات دستکاری کرده و لفظ "فارس" را در میان گفتار آقای بختیار همیشه حذف کرده، که خیانت کرده و با پدیده‌های هو به‌وی و به روزنامه‌ها اش اعتراض کرده‌ام مترجم برای یکدست کردن اصطلاح چنین اشتباهی کرده که با بدحتما "در روزنا مه‌مدتت بخوابد، در صورت این خطای کوچکی نیست که بتوان از آن چشم‌پوشید.

چندی پیش، یک خبرگویی اخباری و رادیویی فرانسوی "روپ" (آژانس آرنو) برای اولین بار "خلیج فارس" را:

GOLFE ARABO-PERSIQUE

نامه‌ها (که هنوز هم به همین نام تکرار می‌کند) و در روز بعد از آن وزیر دفاع فرانسه چنین اصطلاح احمقانه‌ای را در مواضع اش تکرار کرد که به هر دو شان بسه تندی با سخنانم که در شان آدم‌های تحصیل کرده و اهل مطالعه نیست که برای راضی نگه داشتن خریداران اسلحه‌شان و با نیروگاه‌های اتمی و هواپیماهای گوناگونشان در یک حقیقت تاریخی دست ببرند و اصطلاح اختراع کنند. البته با سخی دریا فت نکردم و آن‌ها در روزها رنو هنوز هم داده‌ام می‌دهد، ولی در روزها ما رگان ملی گرایان ایران دیدن این نوع اصطلاحات معجول قابل تحمل نیست.

آقای دکتر محمد غروی،

از توجه شما به قیام ایران سپاسگزارم. احساس طفیان شما در برخورد با جملات تاریخی "خلیج عربی" یا "خلیج قاسبل" درک و موجب تحسین است.

از ۳ فرض شما، فرض دوم مقرون به حقیقت است. دستکاری، عمل روزنامه‌نگار عرب است و بسیار شدیدتر از آنچه شما تصور بفرمایید به‌وی اعتراف شده است.

ولی با پدید آمدن آوری کنیم که مسئله

اطناب کلام خواهنددولی حداقل می‌توانم بید خلاصه‌ای که خود شما از شرح حال وی داده‌اید استناد کنیم. مرقوم میفرمائید: "شرح حال را خلاصه می‌کنم؛ از فشار و اغتشاش، نابرابری‌ها، حیف و میل‌ها، وابستگی به خارجی به تنگ آمده و اصلاح وضع را میماند خواهان است هیچ فرینده و نمانی از تغییر و تبدیلی در افق سیاسی نمی‌بیند. فضای با سیاسی را باور ندارد، زیرا با رلمان همان با رلمان منصوب رستاخیزی و دولت‌های تازه متشکل از همان افرادی است که بیست و چند سال مفسد کار بوده‌اند. آخوند نجف از آزادی و استقلال وعدالت سخن می‌گوید، از ریت باطنی او هیچکس جز معدود کسانی که جاسارت دخالت در سیاست را داشته‌اند و به علت ضمیر روشن و به قیمت اقامت‌های مکرر در زندان به مرحله رسد و درک سیاسی رسیده‌اند - آگاه نیست، زیرا ما نیفت‌سایا و، کتاب ولایت فقید، را اجازت ورودی مملکت نداشته‌اند، خواه‌ونا خواه، دنبال او بر راه افتاده‌است."

اینجا کمی صبر کنید، با هم برویم. از انشاء تا به سرگشته‌ها بنا بعالی پیدا است که به زبان فارسی مسلط هستید، در اینجا "خواه‌نا خواه" یعنی چه؟ اگر می‌گفتید "خواه‌نا خواه" به دنبال او کشیده شد، با ریک حرفی، ولی "براه افتادن" و "رفتن" که عملی ارادی است، با "خواه‌نا خواه" جور در نمی‌آید. و کشیده شدن خواه‌نا خواه هم فعل موجود در شعور نیست چه رسد به موجود "ذی فکر"، اینطور می‌نماید که شما برای اینکه با رگنا و روشنگر تا را سبک کنید به این مغالطه‌کاری دست زده‌اید.

لحظه‌ای به روشنگر محترمان، که بنا بر تعریف با بدفکر روشن و ضمیر روشنی داشته باشد، ببینید: طالب آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی است، آخوندی در نجف از آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی سخن می‌گوید، و او به دنیا لش بره می‌افتد، زیرا ما نیفت سیاسی او را نخواه‌نا خواه است؟! واقعا "مرا ببخشید، ولی این روشنگر را با فکر روشنش و شما متافلسفی‌اش باید لای جز دیوا رگذاشت! اگر آئین آلمانی هم از آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی سخن می‌گفت، آقا، چون ما نیفت سیاسی او را نخواه‌نا خواه بود، با بددنیا لش بره می‌افتاد؟

ولی اینجا هم معطل نشویم، بنده همراه و همزبان باشم، می‌گویم که روشنگران ما تا نیمه سال ۱۳۵۷ - به یاد دادم - روها شونی، مثل سید محمد طبا طباشی به مشروطیت - به قدرت محرکه آخوند نجف برای رسیدن به آزادی و دیمکراسی و سایر

نامه سرگشته

به آواره محفوظ الامضاء

شورای نویسندگان قیام ایران، در شماره مورخ ۶۶/۷/۲۳ قیام ایران مطلبی زیر عنوان "نامه سرگشته به یاران بی‌گناه" با امضاء "آواره" محفوظ الامضاء چاپ شده بود که بنظر اینجانب ناپایده‌ی جواب بماند. لذا، تقاضا دارم شرح پیوست را، به عنوان پاسخی به آن، در همان صفحه به نظر خوانندگان خود برسانید. امیدوارم خصوصیتی در کار نباشد و همانطور که یک صفحه و نیم روزنامه را به درجه‌نامه ایشان اختصاص دادید، این نوشته را هم بی‌کم و کاست چاپ کنید و به عذر فریق جا و تراکم اخبار - قسمتی از آنرا حذف نفرمائید. امضای مرا هم، مثل امضای نویسنده نامه سرگشته، محفوظ بدارید.

با احترام - امضاء محفوظ

جناب آواره محفوظ الامضاء،

نامه شما را با دقت خواندم و متأسفم بگویم که آن را سفسطه و منطذه‌ای عظیم با فتم، امیدوارم از آن گروه آدم‌های اسیر احساسات و دست‌وپا بسته در بند تعصب نباشید، شنیدن عقیده دیگران را تا با بیاد و در برابر آه آه مل‌کنید. اینکه مرا در گروه "یاران بی‌گناه" قرار بدهید یا در گروه دیگری، مهم نیست. سراسر نامه سرگشته طولانی شما به دو نکته خلاصه می‌شود.

گناه‌هایی که بی‌عملت ایران نازل شده گردن مدیران رژیم گذشته است که به جلوگیری از آوارگی آنها فکار و عقاید، راه‌رشد سیاسی را بر مردم بستند و با پنهان کردن ماهیت واقعی آخوند و اجرای خردا‌دانها را به گمراهی کشیدند و موجب سقوط مملکت شدند.

روشنگران ایران اگر در تعیین و تشخیص خود اشتباه کرده‌اند و بدنبال خمینی برآه افتادند، گناه‌ها رند و خود قربانیان بی‌خبری ناشی از سانسور و خفقان بودند. و یک نتیجه‌گیری ضمنی: هما نظر که طفل تا رسیدن به سن تمیز، شرعا "وعرفا" از تشبیه و مجازات معاف است، با بد حکم بر برائت روشنگران ما صادر کرد.

آقای عزیز، یا خانم عزیز، اگر شما برسبیل شکوه و شکایت یا درد دل در باره راه و روش این یا آن گروه در فلان مقطع زمانی، حرفی دارید طبیعی است که میتوانید به هر زبان‌ی بخوا هید عنوان کنید، اما وقتی می‌خواهید در باره رابطه علیت بین راه و روش‌ها و حادثه‌ای به این عظمت حکم بدهید، با بد کمی جدی تر باشد.

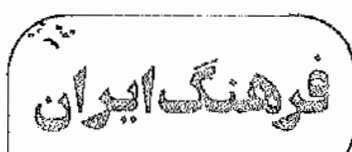
من از نکته اول به سرعت می‌گذرم، زیرا آنچه بر دلم گران آمده، نکته دوم است. تنها این یادآوری را لازم می‌دانم که اگر شهادت من و شما در محضرتا ریخ میتواند ما را، به عنوان جزئی از عوامل حصول یقین، پذیرفته شود، مطمئنا "قضاوت ما در محکمه" تا ریخ ارزش و اعتباری ندارد. نه اینکه خواه‌نا خواه، خدا ی کرده، قدر شما را با تین بیاد و رم ولی هنوز شرایط لازم برای صدور حکم جمع نیست. تا وقتی دیگر احساسات در جوش است نمی‌توان دید که جسی در آن غوطه می‌خورد و زورجان با خرمه‌ها است.

من و شما که امروز هنوز جسم و جان نمسان از آتش مصیبت‌ها، از جمله مصیبت آوارگی از خانه و گاشانه، در سوز و گداز است، ما لاج برای قضاوت در باره رژیم گذشته ایران و سهم مدیران آن در حادثه‌ای که بر مملکت گذشت نیستیم و هیچ‌قدری از نسل ما که در متن حادثه زندگی کرده و تلخی‌ها یا شیرینی‌های آن را زیر زبان دارد، ملاحظت نتیجه‌گیری و صدور حکم قطعی را ندارد.

قضاوت تا ریخ در باره هر دو را بنا قضاوت آنها می‌کند که آن دوران را زندگی کرده‌اند، همیشه یکسان نیست و گاهی متناقض است. قضاوت تا ریخ در باره بیسارک، که اتحاد آلمان و ایجاد دیک امپراطوری بسزرگ و قدرتمند را، به وسیله برانگیختن جنگ ۱۸۷۰ با فرانسه، عملی ساخت، با قضاوت ما در آن و پیدارن هفتاد هزار جوان آلمانی که در این جنگ کشته شدند، متناقض است.

تاریخ به این آسانی و به این زودی در باره بیلان رژیم گذشته ما رأی نخواهد داد. ولی اگر تحت فشارش بگذاریم که، برخلاف راه و رسم خود، در این زمان، یعنی دریا نیز ۱۳۶۶، جزئی از اجزاء قضاوت نهائی خود را بروزد دهد، احتمالا "پرونده" این واقعیت را پیش روی ما خواهد حسد گذاشت که آن رژیم، با همه ایرادهائی که به آن گرفته می‌شد، مملکت را به پایه‌ای رسانده بود که بعد از سال آشتی و آتوب و هرج و مرج عمدی و غیر عمدی حکومت آخوندها و بعد از هفت سال جنگ با بیسک کشور خارجی تا دندان مجهز، هنوز سازمان اداری اش از هم‌نپا شده است، هنوز موه‌سما تا اجتماعاتش سرپا ایستاده‌اند، هنوز ارتشش مقامت می‌کند، هنوز چرخ‌های اقتصادش می‌چرخد.

اما برسیم به معصومیت آقای فیلسوف، روشنگر نمونه، مورد نظر جناح بعالی. نمی‌خواهم به آنچه در باره مراحل زندگی او به تفصیل گفته‌اید برگردم زیرا موجب



محمد جعفر محبوب

ویس و رامین،

داستانی از عصر اشکانیان

ویس و رامین نام داستان‌هایی است عاشقانه (بروزن) و ویس (بروزن) که گاه آن را ویسه (بروزن پیشه) نیز گفته اند...

برای آن که غبار رهنوع شبهه‌های از میان برخیزد و گویم که پیش از این در گذشته بود، داستان زال و رودابه را...

اما ویس و رامین چنین نیست، این زوج جوان خسرو قهرمان نام اصلی داستانند و محورا نامی قصه شرح...

ویس و رامین داستان‌هایی است عاشقانه، و به اصطلاح داستان نویسان و منتقدان ادبی امروزی رامین است عشقی، با تمام موفقیات و درجه‌کاری‌هایی که است...

در میان داستان‌های عاشقانه، اروپایی سرگذشت "تربستان و ابژوت" که داستان‌هایی با زمانه زقرون وسطی است و روایت‌هایی از آن به وسیله چند تن از نویسندگان فرنگی تحریر شده و شکل گنبدی یافته...

در اروپای غربی ویس و رامین، اروپایی سرگذشت "تربستان و ابژوت" که داستان‌هایی با زمانه زقرون وسطی است و روایت‌هایی از آن به وسیله چند تن از نویسندگان فرنگی تحریر شده و شکل گنبدی یافته...

پس از چند سال شهروند ختری آورد که او را ویس نامید و به دایه سپرد و این دایه را با خود به سرزمین خویش...

اما ناگاه از مرز دریا در ناخانی شاه موبدینا نامی شاهای شرومی رسید و بیامی را که شاه کرده است به یاد او...

ویس از این کار ما در بیهوشی و بغرض او عتراف می کند و می گوید که برادرش را بر شاه موبدینان می نهد و زرد را با پاسخ منفی به مروبا زین می فرستد.

شاه خشکین می شود و سیهان خود را ز سر سرکشون فرامی بخواند.

ویس و رامین نیز از دوستان خود را در ایران وری وگیلان و خوزستان و استخر و صفهان یاری می خواهد و همگسی...

موبدینان بسیار خوشگین شویا دوبرادر خود زرد در میان در این باب برای زد او را مین که از کودکی مهر ویس را در دل...

موبدینا نامی به شهر نوشت و بیامین را یادآور شد و خواسته بسیار پیشکش کرد. شهروشا نگاه دروازه کساک...

ویس و رامین نیز از دوستان خود را در ایران وری وگیلان و خوزستان و استخر و صفهان یاری می خواهد و همگسی...

موبدینان بسیار خوشگین شویا دوبرادر خود زرد در میان در این باب برای زد او را مین که از کودکی مهر ویس را در دل...

موبدینا نامی به شهر نوشت و بیامین را یادآور شد و خواسته بسیار پیشکش کرد. شهروشا نگاه دروازه کساک...

ویس و رامین نیز از دوستان خود را در ایران وری وگیلان و خوزستان و استخر و صفهان یاری می خواهد و همگسی...

موبدینان بسیار خوشگین شویا دوبرادر خود زرد در میان در این باب برای زد او را مین که از کودکی مهر ویس را در دل...

موبدینا نامی به شهر نوشت و بیامین را یادآور شد و خواسته بسیار پیشکش کرد. شهروشا نگاه دروازه کساک...

ویس و رامین نیز از دوستان خود را در ایران وری وگیلان و خوزستان و استخر و صفهان یاری می خواهد و همگسی...

موبدینان بسیار خوشگین شویا دوبرادر خود زرد در میان در این باب برای زد او را مین که از کودکی مهر ویس را در دل...

موبدینا نامی به شهر نوشت و بیامین را یادآور شد و خواسته بسیار پیشکش کرد. شهروشا نگاه دروازه کساک...

ویس و رامین نیز از دوستان خود را در ایران وری وگیلان و خوزستان و استخر و صفهان یاری می خواهد و همگسی...

موبدینان بسیار خوشگین شویا دوبرادر خود زرد در میان در این باب برای زد او را مین که از کودکی مهر ویس را در دل...

موبدینا نامی به شهر نوشت و بیامین را یادآور شد و خواسته بسیار پیشکش کرد. شهروشا نگاه دروازه کساک...

ویس و رامین نیز از دوستان خود را در ایران وری وگیلان و خوزستان و استخر و صفهان یاری می خواهد و همگسی...

موبدینان بسیار خوشگین شویا دوبرادر خود زرد در میان در این باب برای زد او را مین که از کودکی مهر ویس را در دل...

موبدینا نامی به شهر نوشت و بیامین را یادآور شد و خواسته بسیار پیشکش کرد. شهروشا نگاه دروازه کساک...

ویس و رامین نیز از دوستان خود را در ایران وری وگیلان و خوزستان و استخر و صفهان یاری می خواهد و همگسی...

موبدینان بسیار خوشگین شویا دوبرادر خود زرد در میان در این باب برای زد او را مین که از کودکی مهر ویس را در دل...

موبدینا نامی به شهر نوشت و بیامین را یادآور شد و خواسته بسیار پیشکش کرد. شهروشا نگاه دروازه کساک...

توان زنا دهمشیدی که همگوار خویش سبب دادم و غمگوار کرده‌ای، اکنون یکی از سر راه برکتین: یا بهر گمان...

رویا به دما و ند، ویا به همدان و نها وند، ویس بردگان خویش را آزاد می کند و کلید گنج ها را به شاه می دهد...

ما ه نزد بیرو و شهری ستا بد. را مین زمانی از دوری ویس رنج می کشد. آ خر به بهانه شکار زنا دستور سفر...

به بزرگان و ساری و کهستان می گیرد. شاه که قصدش را در بافتن است او را بند می دهد که دست او زین بسپرد...

را مین سوگند می خورد که دیگر ویس را نینداند، اما یکسره نزد ویس می نشاند و هفت ماه را یکدیگر به خوشی می گذرانند...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...

موبدینان از این کار آگاه می شود، نامه ای تند و سراسر ناسزا به ویس می نویسد و او را استرمی خواند که به ما در...

خویش می نازد، و می گوید که شاه را بران و آذربایجان و دشت گیلان سبب هفرا هم آورد و شاه جنگ با شاه و خسرو لشکر به کشور ما می کشد، اما در راه نامه ای از ویس رسد که...



یکشنبه ۱۹ مهر

کاسپا و این برگر و زیر دفاع آمریکا اعلام کرده که کشف قطعی در قایق جمهوری اسلامی که در خلیج فارس مورد حملات هلیکوپترهای آمریکا است. قرار گرفت نشان می دهد که رژیم تهران موشک های ضد هوایی آمریکا است. استیگر در اختیار دارد. بگفته مقامات پست گون تحقیقاتی در جریان است تا روشن شود که جمهوری اسلامی این موشک ها را از چه منبعی بدست آورده است. محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران دیروز طی مصاحبه ای در مشهد اعلام کرد جمهوری اسلامی دیرزمانی است موفق شده است از روی موشک های "استیگر" موشک های مشابهی بسازد.

دوشنبه ۲۰ مهر

جمهوری اسلامی اعلام کرده هواپیما های عراقی چند روزی در صنعتی را در داخل ایران بمباران کردند که در نتیجه یک کشته و چند مجروح در میان است. عراقی ها مانتند. در این حال عراقی اعلام کرده که ۶ فقره حمله هوایی با لاشه های نفت خرم با بدنه تلمبه خانه تنگی نفتی، با لاشه های موشک های نیروگاه برق تبریز و یک نفتکش جمهوری اسلامی را در سواحل ایران بمباران کرده است.

نفتکش پتروشپ - ب متعلق به عربستان سعودی در جنوب خلیج فارس مورد حمله قایق های سریع جمهوری اسلامی قرار گرفت.

ظهور امروزه تا شید منابع دریایی منطقه یک نفتکش ۲۵ هزار تنی با نام های به نام ماریا نیتی مورد حمله هواپیما های عراقی قرار گرفت و به آتش کشیده شد. خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرده از دیروز تولید موشک های گاتوشا معرفی به آنگ استالین یک واحد صنعتی در نزدیکی شیراز که تحت نظارت سپاه پاسداران است، آغاز شد.

سه شنبه ۲۱ مهر

جمهوری اسلامی در ساعت ۵:۵۷ دقیقه با مداخله امروزین در با دیدگاری موشک زمین به زمین مورد حمله قرار داد این چهار زمین حمله موشکی به بغداد نظریه یک هفته گذشته بود. موشک جمهوری اسلامی در نزدیکی یک مدرسه ابتدایی منجر شد و ۳۲ کشته و ۲۲۸ زخمی برجای گذاشت که بیشتر آنها از دانش آموزان مدرسه بودند. در حالی که به دعوت دولت عراق دیپلماتها و خبرنگاران خارجی مقیم بغداد از محل اصابت موشک دیدن کردند، جمهوری اسلامی ادعا کرده موشک به مرکزوزارت دفاع عراق اصابت کرده است.

چهارشنبه ۲۲ مهر

به گفته منابع کشتیرانی خلیج فارس، یک نفتکش ۲۲۲ هزار تنی لیبیایی به نام "پگا سوئیک" در نزدیکی پایانه نفتی عراق مورد حمله هواپیما های عراقی قرار گرفت.

و این برگر و زیر دفاع آمریکا در مصاحبه با "وال استریت جورنال" گفت جمهوری اسلامی به احتمال قوی ۶ موشک استیگر در اختیار دارد که ممکن است آنها را از ماهدان افغان گرفته باشد.

سختگوی وزارت خارجه شوروی در مسکو با اشاره به درگیری نظامی آمریکا و جمهوری اسلامی و گسترش بحران در خلیج فارس، اعلام کرد اقدام قوری برای رفع تنش در منطقه ضروری است و باید تسبیح نیروی از سوی سازمان ملل جایگزین نیروهای خارجی مستقر در خلیج فارس شود.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اعلام کردند در مقابل تهدیدهای جمهوری اسلامی، به طور مشترک از عربستان سعودی و کویت حمایت خواهد کرد.

یکشنبه ۲۳ مهر

وزارت دفاع کویت اعلام کرده که سرگاه امروز جمهوری اسلامی یک نفتکش ۲۷۵ هزار تنی آمریکا را به نام "سونگاری"

که با پرچم لیبی حرکت می کند، در بندر احمدي کویت بوسیله موشک مورد حمله قرار داد.

به گزارش جمهوری اسلامی هواپیما های عراقی چند بار تا سیما اقتصاد ایران را در مناطق جنوبی و غربی کشور بمباران کردند و تعداد زیادی کشته و مجروح برجای گذاشتند. جمهوری اسلامی اعلام کرده به تلافی حمله های عراق تا سیما اقتصاد ایران را در زمان ملل اعلام کرده که این کشور به جز ۴ شهر کربلا، نجف، کازمین و سایر شهرت بمباران خواهد کرد.

جمعه ۲۴ مهر

سرگاه امروز جمهوری اسلامی یکی از ۱۱ نفتکش کویتی را که در آمریکا به بندر رسیده است در آبهای ساحلی کویت هدف موشک قرار داد. در این حمله هیجده نفر از جمله ناخدای آمریکا کشته و مجروح شده اند. کشتی ۲۵۰ هزار تنی مذکور "سی آیل سیتی" نام دارد.

است.

شنبه ۲۵ مهر

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی برای دیدار و گفتگو با حافظ اسد و سایر مقامات سوریه وارد دمشق شد.

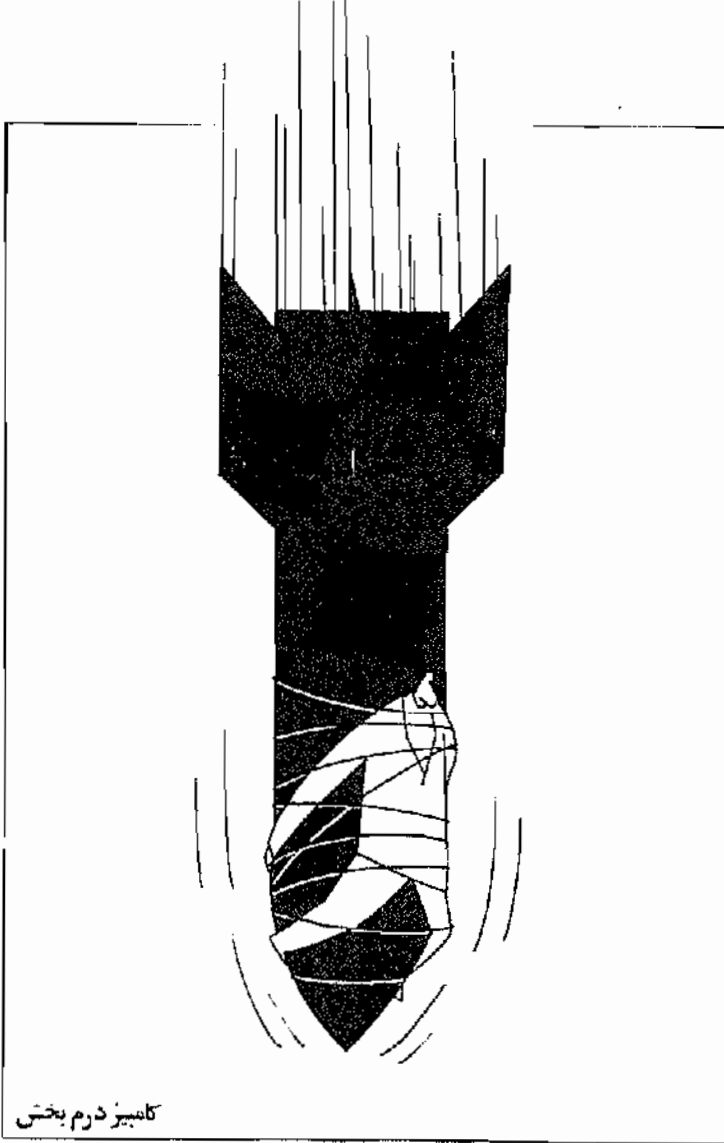
یکشنبه ۲۶ مهر

علی اکبر ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای دیدار و گفتگو با مقامات کوبا عازم هوانا شد.

دوشنبه ۲۷ مهر

چهار ناوگان نیروی دریایی آمریکا به تلافی حمله موشکی جمهوری اسلامی به نفتکش "سی آیل سیتی" ساعت ۲:۵ بعد از ظهر امروز سکوی نفتی رستم را در خلیج فارس با شلیک هزار گلوله توپ منهدم کردند. کماندوهای نیروی دریایی آمریکا همچنین وارد یک سکوی نفتی دیگر به نام "سیما" در آن را تخریب کردند. وزیر دفاع آمریکا اعلام کرده که سکوی رستم به پایگاه دریایی سپاه پاسداران تبدیل شده بود. رونا لدریکا حمله آمریکا را با سخنی "محتاطانه و محدود" توصیف کرد.

متحدان آمریکا و بیشتر کشورهای غربی، حمله آمریکا را مورد تأیید قرار دادند. مارگارت تاچر نخست وزیر انگلستان



کامیوز درم بختی

اظهار داده است که رونا لدریکا "کامل" حقیق داشت که پایگاه قایق های تسویب دار جمهوری اسلامی را نابود کند.

سه شنبه ۲۸ مهر

و این برگر و زیر دفاع آمریکا به جمهوری اسلامی هشدار داد که دینا نه دست به انتقام جویی علیه آمریکا بزند یا لایحه متحده عملیات تلافی جویانه نظامی دیگری انجام خواهد داد. دتا به رژیم تهران تفهیم کننده حمله به کشتی های بازرگانی را تحمل نخواهد کرد.

"سجری ها" وزیر خارجه انگلستان هشدار داد که گریک کشتی با پرچم انگلستان هدف حمله جمهوری اسلامی قرار گرفته است. انگلستان به اقدام مجدی دست نخواهد زد. یک سخنگوی رسمی شوروی آمریکا را متهم کرده که با حمله به سکوی نفتی ایران، علنا "در موضع جنگ قرار گرفته است. وی افزود برای متقاعد ساختن رژیم تهران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت باید تلاش های دیپلماتیک دست زده آن که به نیروی نظامی تسویل است.

میرحسین موسوی در دمشق اظهار داشت: آمریکا به وسیله سوریه به ما بیسار داده است که این آخرین بار است، شما نزنید

ما هم نمی زنیم. موسوی افزود: اما ما نمی توانیم ساکت بنشینیم و با عملی متنا سب به آمریکا پاسخ خواهیم داد.

چهارشنبه ۲۹ مهر

دولت چین عملیات نظامی آمریکا و جمهوری اسلامی را در خلیج فارس بدون نام بردن از جمهوری اسلامی، محکوم کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، مقامات جمهوری اسلامی از یک هفته پیش از بیم حمله احتمالی آمریکا دستوراً تی دریا ره تخلیه اقتصاد بندر عباس صادر کرده اند و رگالاهای که در بندر عباس در انبارهاست به بندرهای کوچک اطراف منتقل میشود.

پنجشنبه ۳۰ مهر

ساعت ۱۰:۵۵ دقیقه صبح امروز یک اسکله شناور با رگبری نفت در بندر احمدي کویت هدف یک موشک جمهوری اسلامی قرار گرفت و به آتش کشیده شد. در این حمله ۳ نفر از رگران اسکله مجروح شدند. سکوی مذکور میتوانست بطور همزمان دو نفتکش غول پیکر ۵۰۰ هزار تنی را نفت گیری کند.

رئیس جمهوری آمریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی به آیت الله خمینی اخطار کرد که هرگونه حمله به کشتی های رگزیس پرچم آمریکا هستند تلافی خواهد کرد.

دولت کویت به کار و جمهوری اسلامی در این کشور خطا کرد در صورتی که در تاجرات جمهوری اسلامی دولت کویت در تمام روابط خود با رژیم تهران تجدید نظر خواهد کرد.

"بولی ژورنالیست" معاون اول نخست وزیر شوروی در قاهره اظهار داشت: برای جمهوری اسلامی چه خوشایند باشد چه نباشد شوروی عراق را رها نخواهد کرد و برای پیمان دوستی و همکاری خود با عراق احترام خاصی قائل است.

جمعه یکم آبان

به گزارش منابع کشتیرانی منطقه سرگاه امروز یک نفتکش ۳۵ هزار تنی با نام های در جنوب خلیج فارس مورد حمله یک قایق تندرو جمهوری اسلامی قرار گرفت.

میخائیل گورباچف رهبر شوروی، طی ملاقات با وزیر خارجه آمریکا در مسکو اظهار داشت: با دامنه سیاست آمریکا در خلیج فارس نه تنها ممکن است بخشی از تنشهای بین المللی ملخ را از بین ببرد، بلکه احتمال دارد به روابط شوروی و آمریکا نیز خدشه وارد آورد.

ولایتی در دیدار با وزیر خارجه ایالات متحده درم گفت: رژیم اسلامی طرح تازه سازمان ملل را برای پایان دادن به جنگ بظهور اصولی می پذیرد.

رژیم رکسیستی یمن جنوبی که تا بحال از رژیم تهران پشتیبانی می کرد، برای نخستین بار جمهوری اسلامی را بیخاطر پرتاب موشک به اسکله با رگبری نفت کویت محکوم کرد.

شنبه ۲ آبان

خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع آگاه گزارش داد که "ما ریزویلاز" یک منشی بخش دیپلماتیک کاخ نخست وزیر فرانسه است و در مدارک محرمانه مربوط به جنگ جمهوری اسلامی و عراق را در مقابل دریا فت بول در اختیار معشوق ایرانی خود به نام محمد نزاری مقیم آلمان غربی قرار میدهد است. "ما ریزویلاز" در ژوئن ۱۹۸۶ هنگامی که از دیدار محمد انصاری از فرانکفورت با زمی گفت در فرودگاه های ریس در حالی که اسناد محرمانه در چمدان خود داشت دستگیر شد. رسیدگی به پرونده وی به "زیل بولوک" سپرده شده است که رسیدگی به پرونده وی ویدگرچی و بمب گذاری های با ریس را نیز بر عهده دارد.

شوروی ضمن ابراز نگرانی از وخامت روز افزون اوضاع در خلیج فارس، رسماً عملیات نظامی علیه کویت را محکوم کرد و از شما میتا رضی، استقلال و حاکمیت کویت پشتیبانی نمود.

بعد از ظهر امروز انفجاری در محل دفتر نمایندگی شرکت هواپیما در آمریکا در کویت روی داد. این انفجار خساراتی مالی بسیار آورد ولی به کسی آسیبی نرساند.

یکشنبه ۳ آبان

میرحسین موسوی اعلام کرد جمهوری اسلامی در حال اتخاذ بیسار اقداماتی برای رویارویی احتمالی با آمریکا است. وزیران خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس طی بیانه ای متفقاً جمهوری اسلامی را به خاطر حمله به کویت محکوم کردند.

بقیه از صفحه ۵

چیزهای - با صلاح شعاً - تشنگ ، امید بسته بودند . (این عذر خدما ت روحانیون در مشروطیت را هم شما عنوان نکرده بودید و من هستم که به روشنفکر شما آوا نس میدهم) ولی بعد چه ؟

این واقعیت را دیگر نمیخواهید ندیده بگیرید که از شهریور ماه ۱۳۵۷ کتا ب ولایت ققیه "آقا" و فرمایشات ضبط شده ایشان در هر کوی و برزن و سر هر چاه راهی، فراوان بدست می آمد . آیا آقایان به فکر نیفتادند که این رهبر آزادیخواه و استقلال طلب و دمکراسی شعسار را کمی بهتر بشناسند ؟ حتی اگر دنبال او بگردید ، نیفتاده بودید با یک کتا ب آدمی که این همه سروصدا برا ه انداخته بود ، میخوانند ، این طبیعت روشنفکری است .

من کتا ب ولایت ققیه را الان در برابر نظر دارم . چند صفحه آخر ورق میزنم آنچه را من با چشمهای خسته و کاکرده خود می بینم ، آیا آنها با دیدگان جوان و پرقدرت خود نمیتوانستند ببینند ؟

صفحه ۵۲ ، زیر عنوان "طرز حکومت اسلامی" : " حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه ، بلکه مشروطه است . البته نه مشروطه به معنی متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آزادی اشخاص و اکثریت باشد ، مشروطه از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص) معین گشته است . مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که با ید رعایت و اجرا شود . . . شارع مقدس اسلام یگانگانه قدرت مقلنه است هیچکس حق قانونگذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمیتوان به مورد اجرا گذاشت ."

این که صاحب مجالس مقلنه ، که روشنفکران مورد نظر شما از جنبه رستاخیزی آن شاکتی بودند .

اما در مورد دولت هم "آقا" بدون رودروایی در صفحه ۶ میفرماید :

" حکما حقیقی همان فقها هستند ، پس بایستی حاکمیت رسماً به فقها تعلق گیرد نه به کسانی که بعلمت جهل به قانون (قانون اسلامی منظور است) مجبورند از فقها تبعیت کنند ."

فقها هم چه کسانی هستند ؟ آقای خلخالی ،

نامه سرگشاده به آواره محفوظ الامضاء

آقای ریشهری ، آقای خامنه ای ، پس بعد چه جای شکایت ؟ تا اینجا "آقا" خلاف عهد نکرده است ، و آقایان روشنفکرانی که حالا دست بسته دان کمیسیون حقوق بشر و سازمان عفو بین المللی ، برای جلوگیری از خونریزی های بی حد و حجاب زعییم آن روزشان ، میزنند ، در صفحه ۸۲ ، با حروف بیه آن درشتی ندیدند نظیر "آقا" را که میفرمود :

" ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم ، این تکلیف از واجبات است ، حتی ازناس روز و واجب تراست . همین تکلیف است که ایجاب می کند خون ها ریخته شود ."

و این آقایان روشنفکران که بعد هم با عنوان عذرگنا گفتند : ما تصور میکردیم آخوند خجف را هی تم میشد و او را ره مسور مملکت را بعهده رجال صالح سیاسی می گذارد ، صفحه ۹۳ را با بدنا بینا بسوده با شنید که با آن تندر درشت "حکومت بروقی قانون" را تدبیر یافته با شد :

" چون حکومت اسلام حکومت قانون است ، قانون شناسان و از آن سالانردین شناسان ، یعنی فقها ، بایدمتصدی آن بانند ، ایشان هستند که بر تمام امور اجرایی و اداری و برنا مریزی کشور را قبت دارند ."

با زهم یک آوا نس به شما میدهم : میگویم آقایان روشنفکران با همه فراوانی کتا ب "آقا" - یا بقول شما - ما نیفتست سیاسی "آقا" را بعلمت گرفتاری شرکتدر نظرات خیا بانی، وقت نکرده بودند و حوصله نکرده بودند بخوانند ، ولی از وقتی قدوم مبارک "آقا" ، با "هیج احساسی" به خاک وطن رسید ، "کتاب" را اگر هم نمسی خواستند بخوانند ، از اینطرف و آنطرف به آنها زورچپان میکردند ، پس چطور هیفتست رئیس "کانون نویسندگان ایران" ، در شهر مقدس قم ، به پیشگاه "آقا" شرفیاب شدند و با اظهار رشادمانی از اینک "دیو چوپایرون رود فرشته در آید" آغا زطلسوع صبح دموکراسی و آزادی قلم پس از شبان

تیره استبداد و اختناق را به خود و جناب آقا تبریک گفتند .

اعاظم آن نویسندگان و روشنفکرانی که در این شرفیابی حضور داشتند ، تا آنجا که من به خاطر دارم ، خامسین دانشور - آقایان متوجه هزار خانی - غلامحسین ساعدی - سیاوش کسراشی - نعمت میرزا زاده - جلال سرفراز - اسمعیل خوشی بودند .

برای رفع برویت این تذکرتا مه ، بیجا نیست که شمه ای از ترانه های عاشقانه این روشنفکران شرفیاب - مشتسی از خورار - را برای تجدید خاطر جنا بعالی نقل کنم :

از آقای اسمعیل خوشی :

" من خم میگفتم

ای دل غافل من

این مرد

به خدا میماند

اوتسامدل این مردم را انگار

چون خدا میداند ."

از آقای جلال سرفراز :

" می آیی

تا دروازه های بسته تاریخ را بگشایی

بر مردمی که پیش از اینت به گرمی ستوده اند

درفوران خون شهیدی

که آزادی را ارج می نهاد .

شکوه پروازت را

بر توده نگران خاک وطن می بینم

و بر جمجمه پوک خنیاگران مرگ

که با اشاره چمنی از بایشان در انداخته ای

درنگاهت

آینه بی می بینم ، به وسعت آزادی . . ."

و از آقای نعمت میرزا زاده :

الا ای که یزدان پس از روزگار ان

پس افکنددوران ، تو را آفریده

نه هم خلق ایران ، تو را دوستدارند

که خلق جهانی به مهربت تبیده

زبان همه خلق ایران درودم

تورا باد ای رهبر برگزیده

ملاحظه می کنید که حکم جنا بعالی بر برائت

این با صلاح روشنفکران مخدوش و بی اعتباری است ، آنها نه تنها بی گناه نیستند بلکه گناهان مضاعف است . .

نه تنها به مسئولیت و رسالت روشنفکری خود که هدایت جامع مدد را صحیح بوده است ، عمل نکرده اند ، بلکه خود در نهی است کوردلی بدبیرا هه رفته اند ، آقایان حتی اگر دنبال خمینی نمی رفتند و بوسه نظاره گری اکتفا می کردند گنا هکار بودند ، زیرا در این صورت مسئولیت روشنفکری خود را زیر پا گذاشته بودند ، بیه ، میدا نس که خواهید گفت - همانطور که به اصرا رو تا کیدگفته اید - که دست و پا لشان بسته بود ، آزادی بیان و عقیده نبود و رژیم بنه آنها اجازت شکفتن و شکوفانیدن نداد ، اما اجازه بدهید از شما بپرسیم : مگر روشنفکران قرن روشنائی فرانسه تحت چه رژیمی زیربنای فکری انقلاب کبیر فرانسه را آماده کردند ؟ لوثی چهاردهم و لوثی پانزدهم خیلی آزادی خواه و آزادی منش و آزادی پرور بودند ؟ تا ز بعد چه ؟

این نویسندگان و شاعران و هنرمندان و فیلسوفان ما ، که مدعی بودند نهال استعداد آنها را با سوراخ و خفا خشکانیده است ، چرا بعد از پایان سانسور و خفا ، شاهکارها را بیرون ندادند ؟ میگویند دوران آزادی - دورانی که مثال آقای جلال سرفراز درنگاه رهبر آینه ای می دیدند به وسعت آزادی - دیری شایید ، بسیار خوب ، ولی بپرسید : در این چند سال که اکثر این گل های سرسبذ معبه محیسط آزادی غرب کوچ کرده اند و تیغ بیدریسغ آن سانسور استعدا دکش را برگلوی خود احساس نمی کنند ، چرا زلال چشمه فیاض طبع راسازیر نمی کنند تا مردم تشنه لب ما عطش جهل پنجاه ساله خود را فرو بنشانند ؟

و آخرین لکه سیاهی که بر عنوان و شهرت روشنفکری آنها مانده ، اینست که هیچکدام رضایت ندادند ، اند بعد از زلالی که در نزول آن سهم داشتند ، در طول این سالهای مصیبت ، در یک ماحبه ، یک سخنرانی ، یک مقاله به اشتباه خود اعتراف کنند .

با احترام شایسته



همزمان با اعتراف شدید به روزنامه نگار ، چون برداشت یک روزنامه معتبر عربی را از وقایع اسفانگیز ایران و از جمله جنگ خلیج فارس ، برای اطلاع خوانندگان خود لازم دیدیم ، بهمین شیوه متوسل شدیم .

آقای غروی ، همانطور که خودتان اشاره کرده اید در دنیای بی اخلاقی زندگی می کنیم که افراد تحصیل کرده و اهل مطالعه برای راضی نگه داشتن خریداران اسلحه یا نیروگاه و هواپیما در یک حقیقت تا ریخی دست میبرند .

فعلاً دست ما بسته است و رژیم آیت الله خمینی که زور و زوری دارد ، زهنوان "عربی" خلیج فارس تا راحت نمی شود ، در نتیجه تنها وسیله ای که در اختیار داریم فعلاً اعتراف در حد توانائی است ، اگر هر ایرانی مثل شما در هر مورد ، به استعمال کنندگان نامجلی اعتراض کند ، به یقین اشکرات آن را خواهیم دید .

گروهی عنوان "خلیج عرب و پرسیک" را گرفتند و اکثریتی به عنوان "خلیج" متوسل شدند .

در حال حاضر که خبا روشفیرهای مربوط به " جنگ خلیج فارس " ، در تمام روزنامه ها و رادیو تلویزیون های اروپائی و امریکائی و آسیائی بطور روزمره درج میشود ، برای ما دورا بهیشترنمی ماند :

یا از ترجمه و درج تفسیرها و گزارش ها و مباحثه ها بکلی خودداری کنیم ، زیرا به ندرت اتفاق می افتد که روزنامه ای جز لفظ " خلیج " به کار برده باشد ، و یا اگر آگاهی هموطنان را به برداشت روزنامه نگاران و مفسران سیاسی جهان از جنگ خلیج فارس لازم میدانیم با جا دادن "فارس" در پرانتز ، بعد از لفظ خلیج ، این تقیمه را جبران کنیم .

در مورد صما حبه آقای دکتر بختیار رنیش

آقای بختیار هم؟!!

بقیه از صفحه ۵

خود را برای تحمیل این عنوان جعلی به کار بردند . محمدرضا شاه انصافاً "بسرای مقابل" با این بسیج عمومی کشورهای عربی کوشش بسیار کرد . تعامنا بیندگی های سیاسی و کنسولی ایران در کشورهای خارجی مکلف نندند که در هر مورد نا معترض به استعمال این نام جعلی بنویسند و از گواهی اسناد تجاری یا صحت گذشتن بهره سندی که در آن از نام جعلی استفاده شده با خودداری کنند ، بهر حال بر اثر این تدابیر نا نیهیب جدا ن روزنامه نگاران خارجی بودند که حداقل را اختیار کردند .

ریشه دوا ترازان است که با یکی دوا عترایش پراکنده هل و فصل شود ، این جعل نام نه تازه است و نه محدود بسه تنها روزنامه های عربی می شود ، آغا زانین ما جرابه سالهای اول دهه ۱۹۵۰ بر میگردد و جاعل اولیه سرهنگ جمال عبدالنا صر بود که برای کسب اعتبار و برکوسی نشاندن فکر تا دبزرگ کشورهای عربی از یک طرف و از طرف دیگر بعلمت خصومت با محمدرضا شاه به این جعل تاریخی دست زد و کشورهای عربی هم برای عقب نیفتادن از قافله مدافعان ناسیونالیسم عرب تمام فشار

بقیه از صفحه ۱

بدین سان بود که با لات متحده به همه سعارتخانه‌ها پیش درجه‌ن توسعه کرد که در آن ماه‌ها با سی‌کا مل بدسیرند، نیز به سپروندان خود سفارسی کرد که از سر بسند جمهوری اسلامی یا کشورها شسی که شروست‌های رژیم‌شهران در آن دستی نسبتاً "با زدن خودداری و رزمنده بدستواری می‌توان تصور کرد که رژیم شهران در خلیج فارس دست‌ها قسدا م نظا می‌گسترده شری علیه آمریکا بزنند، ولی شهورا اینکه به شیدهای خاص خسود غا شله‌ها ش شروستی خون بمب‌گذاری، قتل، آدم‌ریا ش، براندازدن مونسکی به سوی کستی‌های با زرکانی واسکله‌های با رکیری سیندا زدن دنا و شوسی نما ید.

همه رژیم‌شهران ساخته است. اما آیا رژیم‌شهران خواهد توانست چنین کارها ش یا دوحشتناک جنسک وبتنا مرا در افکار عمومی آمریکا زنده کند؟ آرزو ش این چنین در رژیم‌شهران پرورده می‌شود، ولی امکان تکرار تاریخ آیا وجود دارد؟

نگاه ش به شرا ططی عینی که جنگ وبتنام در آن می‌گذشت، امکان مقایسه‌ای را با رویدادهای خلیج فارس فراهم می‌آورد، لیکن نه بدین منظور که شها هت‌های دو رویدا دیرجسته گردودر کنار هم قرار گیرد و نتیجه‌ها ش‌ها ننند بدست‌آید، بلکه بدین منظور که نتان داده‌شود و صحنه و دورویدا دودوروحیه، حاکم بود جنگ چقدر نا هما ننند.

در سراسر تاریخ جنگ وبتنام - چه در آن زمان که فرانسویان در آنجا به جنگ ش استعما رگرا نه دست زده بودند و چه هنگامی

مقایسه دو جنگ

که آمریکا شان جانشین آنان شدند - نیروهای انقلابی وبتنام یک انسان بی‌گناه را به کروکان نکرشتند، سک سفارتخانه‌ها منجر نکردند، یک بی‌گناه را به قتل نرساندند. ساهدهای بعدی جنگ وبتنام به کناره‌ها، ولی جنگ انقلابی مردم در آنجا ایالات متحده را در موقع کنسپاه قرار داد و به همین دلیل جنگ نا میبرده یکی از منفورترین جنگ‌های تاریخ نام گرفت - همچنان که اصرا جمهوری اسلامی در ادامه، جنگ با عراق چنین مفتشی را شایسته جنگ کنونی کرده است.

ولی امروز اگر آمریکا برای کونسالی رژیم ش که می‌بندارد فقط با بداز جنگ تغذیه کند، دست به اقدام محدود نظا می‌زند، افکار عمومی جپان اگر شرتان را نستا ید، دست کم قابل درک می‌شود، اگر نداشتی در حکومت اقدام آمریکا برمی‌خیزد، انگیزه‌ای سیاسی دارد نه انگیزه‌ای اخلاقی، حال آن که در جنگ وبتنام، آمریکا پس از آن که از حیث نظا می‌وسا سسی و جا هت خود را از دست بدهد، از حیث اخلاقی محکوم شده بود، دادگاه‌ها را سل راهمه بیداد دارم. آیا لحظه‌ای می‌شود فکر کرد که سه دادگاه ش با آن وزن و اعتبار برای دفاع از جمهوری اسلامی تشکیل شود؟

ما جراحی‌های رژیم‌شهران در خلیج فارس و جنگ خدا سنعما ری مردم وبتنام فقط از حیث اخلاقی و انسانی نا هما ننند نیست.

ما همایندی که با عراق چنین مفتشی را شایسته جنگ کنونی کرده است. ولی امروز اگر آمریکا برای کونسالی رژیم ش که می‌بندارد فقط با بداز جنگ تغذیه کند، دست به اقدام محدود نظا می‌زند، افکار عمومی جپان اگر شرتان را نستا ید، دست کم قابل درک می‌شود، اگر نداشتی در حکومت اقدام آمریکا برمی‌خیزد، انگیزه‌ای سیاسی دارد نه انگیزه‌ای اخلاقی، حال آن که در جنگ وبتنام، آمریکا پس از آن که از حیث نظا می‌وسا سسی و جا هت خود را از دست بدهد، از حیث اخلاقی محکوم شده بود، دادگاه‌ها را سل راهمه بیداد دارم. آیا لحظه‌ای می‌شود فکر کرد که سه دادگاه ش با آن وزن و اعتبار برای دفاع از جمهوری اسلامی تشکیل شود؟

بازار دلخواه دزدان

بقیه از صفحه ۱

خوردن مسأله می‌کنند، چه کسی می‌تواند اطمینان داشته‌باشد که همین فردا اسلام نشود که مثلاً "سپرده‌های بیش از ۵۵ هزار تومان، تا اطلاع ثانوی، به وسیله‌های ماحیان آن قابل برداشت نیست؟ الزام‌های جنگ، به خطراتان حکومت اسلامی و دستاویزهای آن از این دست همیشه در دسترس حکومت وجود دارد تا بدان وسیله بتوانند هر کاری - هر چند هم مخالف فقه اسلامی و مغایر با قانون اساسی باشد - انجام دهد.

هدف دوم حکومت اسلامی در پیگیری کسه بتنا زگی علیه‌گرانی یا به قول خودش، گرانفروشی، برآه‌انداخته است این است که نگاهها را از بی‌کفایتی دستکاه دولتی در اداره درست امور منحرف گرداند و به سمت‌های متوجه‌سازنده در این به هم ریختگی اقتصاد ای اگر سهمی داشته‌باشند این است که ما ننند دزدان زار آشفته استفاده می‌کنند. درست است که دزدان از باز آشفته استفاده می‌کند، اما درست نیست که علت آشفته‌گی با زار متوجه‌سازنده دزد کنیم.

صندوق‌های قرض الحسنه، مؤسسه‌ها و چند لحظه بعد این آثاره، خسود را به "بولدا رها و گردن کلفت‌ها" فراموش کرده‌باشد، توضیح می‌دهد: "الان تمام خرده‌کارها و دیگران که با یدیلوشان دریا تکیا با شد، در صندوق‌های قرض الحسنه است..."

مبارزه میان بانک مرکزی و صندوق‌های قرض الحسنه، تنها رقابت یا همشیمی میان دو مؤسسه مالی نیست، بخشی از مبارزه قدرتی را تشکیل می‌دهد که جناح‌های حاکم در جمهوری اسلامی را در برابر یکدیگر قرار داده است.

دولت اسلامی در این مبارزه و هدف عمده دارد: نخست اینکه همه مراکز دیگری را که ممکن است به صورت کانون قدرت مالی در آینه‌ها زمین بپرویدین وسیله سیاست پولی را تماماً "در انحصار خود درآورد" این، در نخستین نگاه، حق هر دولتی‌بنظر می‌رسد. ولی در مورد جمهوری اسلامی مردم حق دارند اختیار پول خود را به دست دولتی ندهند که هیچ معلوم نیست با آن پول چه می‌خواهد بکند.

در حکومتی که موال مردم را مثل آب

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: پانزده ساله - ۱۱۰ هزارت فرانسه -

شش ماه ۱۱۰ هزارت فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی - فارسی و به حروف لاتین)
نام خانوادگی: Nom
نام: Prenom
آدرس: Adresse:

- ما بایلم نشریه، قیام ایران را به مدت یک سال (مبلغ فرانسه به حساب بانکی نشریه)
 به حساب بانکی نشریه (حواله)
 تسلیس به وسیله ارسال می‌گردد.

تاریخ: امضاء

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
 C.C.P No: 2400118/E
 PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
 Crédit du Nord
 78, Rue de la Tour
 75116 Paris
 Compte No: 11624700200

توجه لازم

تعداد اردن شها باهای اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نام‌ها ش که به آدرس حساب بانکی با بانک مرستاده شده، بدست ما نمی‌رسد.

بنیادهای بزرگ مالی، با زرکانان بزرگی که ما در آن و وا ردا ت را در انحصار خود دارند و هر کدام از طرف آدم‌ها یا جناح‌های ذی نفوذ سیاسی حمایت می‌شوند. این‌ها بیضا "همان استفاده کنندگان از آشفته‌گی زار اقتصاد هستند.

اما علت این آشفته‌گی نیستند. علت در جای دیگری است و بهتراست آن را از زبان محسن شوربخش رئیس سابق بانک مرکزی جمهوری اسلامی بشنویم.

وی، در مقاله‌ای در روزنامه "کیهان" (۲۸ خرداد ۶۶) می‌نویسد: "از ابتدای سال جاری قیمت بعضی از کالاها و خدمات را کاهش داده‌ام. افزایش یا قوت: بنزین، نفت، گاز، زوشیل، آب و برق عمده‌کالاهای است که دجا را افزایش قیمت شده‌اند... وزارت نفت برای تأمین بودجه موردنیاز خود قیمت فرآورده‌های نفتی را تا صد درصد افزایش داده است."

رئیس سابق بانک مرکزی می‌افزاید: "خلاصه آنکه در سال ۱۳۶۶ در کنار سیاستهای مالی دولت که به صورت کسری بودجه خود به شتهای اولین عامل تورم در جامعه است، دو عامل دیگر نیز تشدیدکننده چنین وضعیتی شده است: نخست افزایش قیمت‌ها بطور رسمی از سوی دولت، دوم اتخاذ سیاست‌های پولی انبساطی." (مقتود رئیس سابق بانک مرکزی از "سیاست‌های پولی انبساطی" به زبان ساده همان چاپ اسکناس بدون پشتوانه

است.

بدین ترتیب این پرورش مطرح است: آیا می‌توان به دولتی اعتماد کرد که نخست وزیر آن در ۱۶ مهر ۶۵ "شایعه" افزایش بهای بنزین را تکذیب کرده و سپس در آغاز سال بعد بهای بنزین را - نه ده، نه بیست، نه پنجاه بلکه صد درصد افزایش داد؟

و حالاً وزیر اقتصاد و دارائی همین دولت بی‌کفایت مورد حمایت "مام‌بابا" در غیبت می‌تواند زود می‌گوید با خالگران در اقتصاد کشور به عنوان جنايتكار اقتصاد دی زمان جنگ برخوردار می‌شود، انگشت اتهام را با ید به سوی این مرد شیا دگرفت و گفت: بزرگترین جنايتكار اقتصاد، خود دولت جمهوری اسلامی است، شایدا ز این حیث متهمان دیگری هم باشند. ولی متهم ردیف اول حکومت اسلامی است که این آشفته‌گی زار دلخواه دزدان را درست کرده است.



بقیه از صفحه ۱

حالا که غرش طوفان را در خلیج فارس می شنوند و حین میکنند توپ های آمریکا آنقدرها هم خالی نیست خودشان را با ختاندوبه دست و پا افتاده اند تا کار به جایی با ریک ترنگشد.

در نیمه راه گیلان و تهران، نزدیک رودخانه سفیدرود، بقیعه و کنبندی وجود دارد معروف به ما مزاده ها که گیلک ها بلهجه خودشان آن را "ما مزاده هتَم" میگویند. در روزگاری که هنوز تومبیل وجود نداشت و جاده های اتومبیل روستا خسته نشده بود مردی از روستای گیلان با قاطرش با رزیتون به شهر میرد، اتفاقا آب سفیدرود طغیان کرده بود و مواج تند رودخانه چیزی نمونده بود که گیله مرد را با قاطر بغلتاند و بسپرد. مردک از هول غرق شدن، پیش خودش نذر کرد که اگر سالم ماندوبه آن طرف رودخانه رسیدنیم! زیار رزیتون را وقف ما مزاده ها شم کند.

وقتی خطر گذشت، همان طور که طبیعت اکثریت افراد بشر است، آدای نذر بر گیله مرد دشوار آمد و محملی برای طفره رفتن تراشید و با خود گفت: ما مزاده هاشم که رزیتون نمی خورد، رزیتون مرا میخواست چه کار کند؟

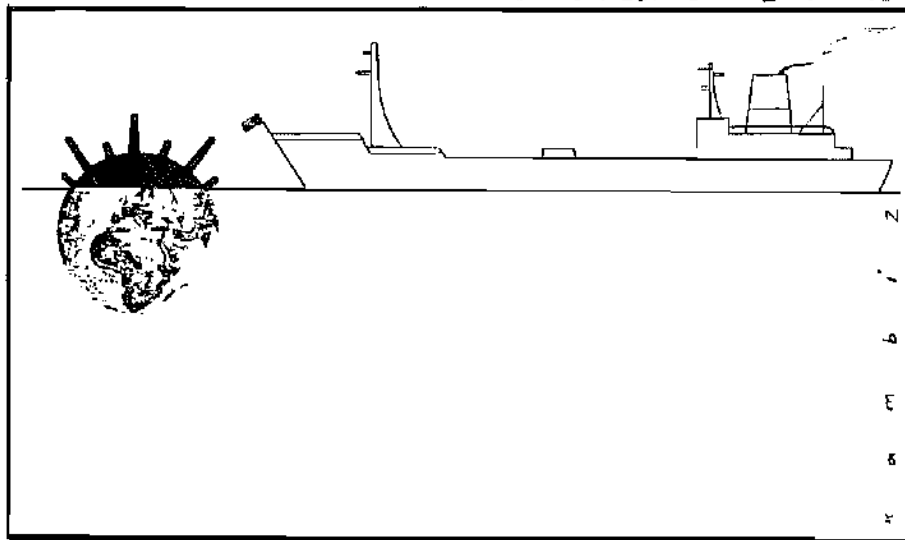
با رزیتون را به شهر برد و فروخت و بظرف روستای خود برگشت. تصادفا "در راه طوفانی سهمگین برخاست، باران شدیدی باریدن گرفت و سیل از کوه سرا زیرش و قاطر را غلتاند و برد. مرد بجزمت خود را از کوه بالا کشید و پشت تخته سنگی پنهان شد. در این ضمن رعش شدیدی غریب و برقی در آسمان درخشید، گیله مرد خیال کرد آسمان چراغ روشن کرده است تا او را پیدا کند و البته تمام این قضایا را ناشی از خشم ما مزاده ها شم میداند. در حالی که به شدت ترسیده بود گفت: "شورشور بکودی می قاطرک بتردی... گورگور بکودی مگره بگرسا نی... چراغ و اثران کنی مگره

دودوزه بازی

میکنند و دلشان میخواستند ایران به صحنه جنگ های از نوع جنگ کره و جنگ ویتنام تبدیل شود ولی آن دسته ای که فعلا تسلط دارند و خط سیاسی حکومت را ترسیم میکنند بنقل استالین "انقلابیون ما رگارینی" اند. نقش انقلابی را بازی میکنند و فحش به آمریکا میدهند ولی از زیربای آمریکا لای میزنند و به او شنگتن پیغام میفرستند که شما این فحش ها را به دل نگیرید. این ها وسیله کسب ما است، دکانی را که گشوده ایم تنها با ملوات و تکبیر نمی توان گرم نگه داشت. فحش دادن به آمریکا باعث رونق این دکان میشود و لو آن که اصل

بیای... یعنی شتر کردی و قاطر هم را بردی. قرق می کنی که مرا بتراستی چراغ روشن می کنی که مرا بیدار کنی... بعد رو کردی طرف ما ما مزاده ها تخرع میخسته به ملامت گفت: "با ما مزاده هتَم... قربانت بتم... برای دوتا دانه رزیتون که آدم شگتن !!!"

زبان حال رهبران جمهوری اسلامی در پیام های محرمانه ای که به او شنگتن میفرستند همین است که قرار نبود دکان ربه توپ و توپخانه نبکشد. جنگ زرگری بله، جنگ واقعی نه! بقول اصحاب آنها آن طرف چوی با یست، یک



دکان آمریکا بیاید و کالای آمریکا بیاید و بفروشند! داستان "ایران گیت" را که بخوانید می بینید قسمت عمده مذاکرات بر محور اتخا دستی دورنگ دور میزند. سیاسی که رویش یک رنگ باشد، توپش رنگ دیگر، در ظاهر سیاسی ضد آمریکا بیاید و جلوه کنند

فحش بده، دوتا فحش بستان، دست به بقیه شدن و پیراهن جردادن نداشته باشیم! در سخنان آشکار رهبران جمهوری اسلامی نیز اگر دقت کنید مضمون همین پیام محرمانه نهفته است، البته درجه هوری اسلامی گمانی هستند که اشتعال هر چه بیشتر شعله های جنگ را در خلیج فارس آرزو

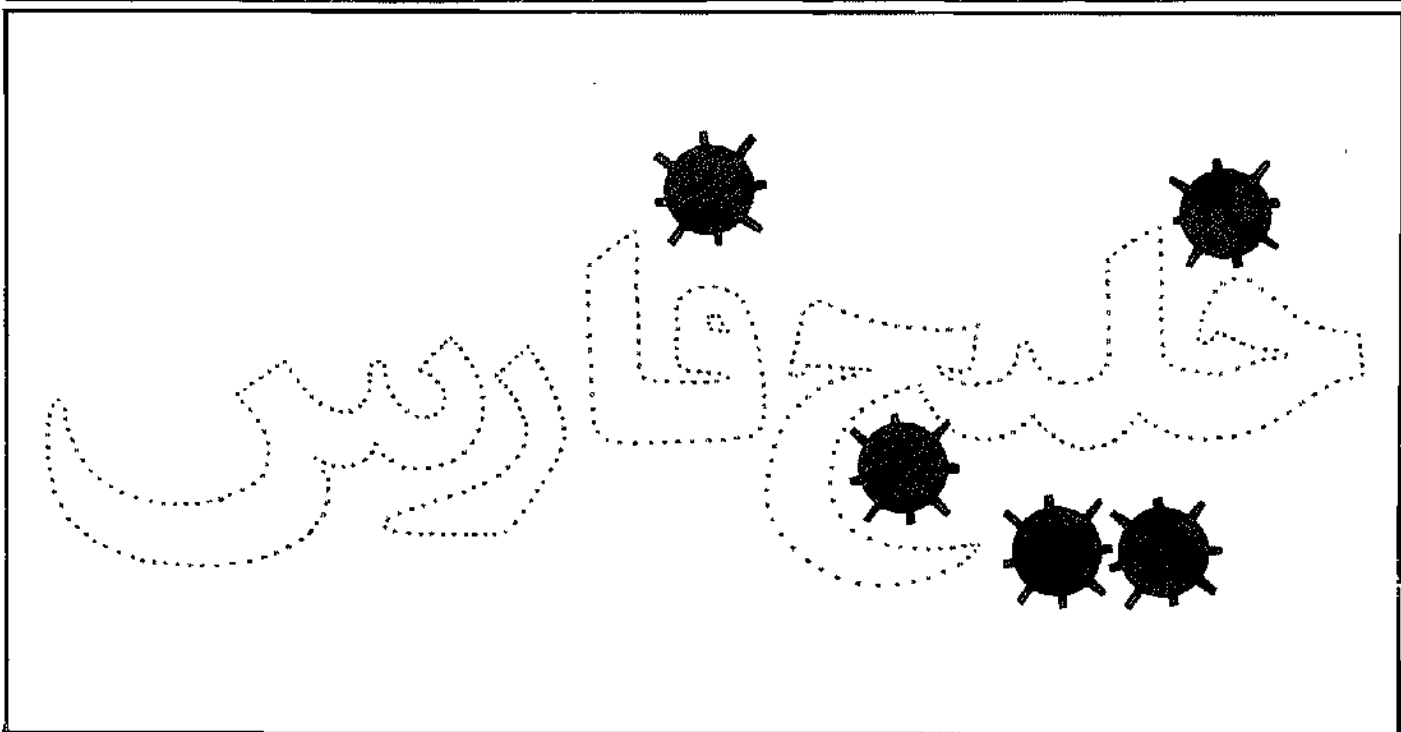
در باطن از طرف آمریکا تغذیه شود، بطوری که نشان نشان می دهد این سیاست را آمریکا بیاید و کالای آمریکا بیاید و بفروشند! داستان "ایران گیت" را که بخوانید می بینید قسمت عمده مذاکرات بر محور اتخا دستی دورنگ دور میزند. سیاسی که رویش یک رنگ باشد، توپش رنگ دیگر، در ظاهر سیاسی ضد آمریکا بیاید و جلوه کنند

لجن سرفروبرد. درک این نکته برای آخوندهای ایران و بطور کلی عناصری که با فضای عمومی کشورهای دموکراسی و محظورات دولت در این کشورها آشنا نیستند، در این کشورها نیست. به همین جهت در محاسبات خود دچار اشتباه میشوند و ناگهان با اوضاع برخورد میکنند که انتظارش را نداشته اند. "تایم" مینویسد: "در قبال پیغام های محرمانه ای که از تهران به او شنگتن میرسد، مقامات رسمی آمریکا میگویند ما در زمینه ارتباط با آیت الله خمینی و اطرافیان وی تجربه های زیادی اندوخته ایم و دیگر نمی توانیم بازی دوزخ آنها را تحمل کنیم. رفسنجان اگر میخواستند با آمریکا کنار بیایند باید راه دیگری انتخاب کنند." این هم اشتباه آمریکا بیاید و کالای آمریکا بیاید و بفروشند! داستان "ایران گیت" را که بخوانید می بینید قسمت عمده مذاکرات بر محور اتخا دستی دورنگ دور میزند. سیاسی که رویش یک رنگ باشد، توپش رنگ دیگر، در ظاهر سیاسی ضد آمریکا بیاید و جلوه کنند

در پارلمان اروپا

بقیه از صفحه ۳

ج - از کوشش های دبیرکل سازمان ملل آقای برژدو کوشار که از راه مذاکره سعی در پیدا کردن راه حل دارد حمایت می کنیم. ح - معتقدیم که اقداماتی که تاکنون انجام گرفته جنبه موقت دارند و اقدامات آنها بی شرکت تمام کشورهای درگیر در سازمان ملل انجام گیرد. خ - تا که می بینیم که مناقع مشترک حکم میکنند یک سیاست هماهنگ تا می بینیم اثری با بهره ریزی شود و با یک اقدام هماهنگ خطرات تا بین اثری برای با زار مشترک تجزیه و تحلیل گردد. د - از رئیس پارلمان تقاضا داریم مفاد این لایحه را به شور و کمسیون اروپا، دولت های ایران و عراق و دبیرکل سازمان ملل ابلاغ نماید.



ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE